

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



رساله هلالیه

در بررسی فقهی آغاز ماه قمری

حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله العالی)

سرشناسه : دوزدوزانی، یدالله
عنوان و نام پدیدآور : رساله هلالیه: در بررسی فقهی آغاز ماه قمری / آیت الله
العظمی دوزدوزانی تبریزی، یدالله (مدظله العالی)؛ [تحقیق] محسن دلیر.
مشخصات نشر : قم: شرق خیال، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۱۱۲ ص.؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ م. ۸۰۰۰ ریال
شابک : ۹۷۸-۹۷۸۳۷-۶۰۰-۰-۰-۰
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : چاپ قبلی: همراز قلم، ۱۳۹۲.
موضوع : رویت هلال ماه (فقه)
موضوع : *Sighting of the new moon
شناسه افزوده : دلیر، محسن، ۱۳۵۴ -
رده بندی دیویی : ۳۵۴/۲۹۷
رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ۵۹۹د/۱۳/BP۱۸۸
شماره کتابشناسی ملی : ۴۷۳۲۱۲۱



رساله هلالیه در بررسی فقهی آغاز ماه قمری
مؤلف: حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله العالی)
تحقیق: محسن دلیر
ناشر: شرق خیال
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: سوم (اول ناشر) / ۱۳۹۶
قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰-۰-۹۷۸۳۷-۶۰۰-۰-۰
تلفن: ۰۹۰۱۴۶۳۷۳۱۴

مراکز پخش:

قم: خیابان معلم، کوچه ۱۱، پلاک ۳۷،
دفتر حضرت آیت الله العظمی دوزدوزانی تبریزی (مدظله)

تلفن: ۳۷۷۳۳۹۷۳ - ۰۲۵

پیامک: ۰۵۰۰۲۲۴۴۸۸

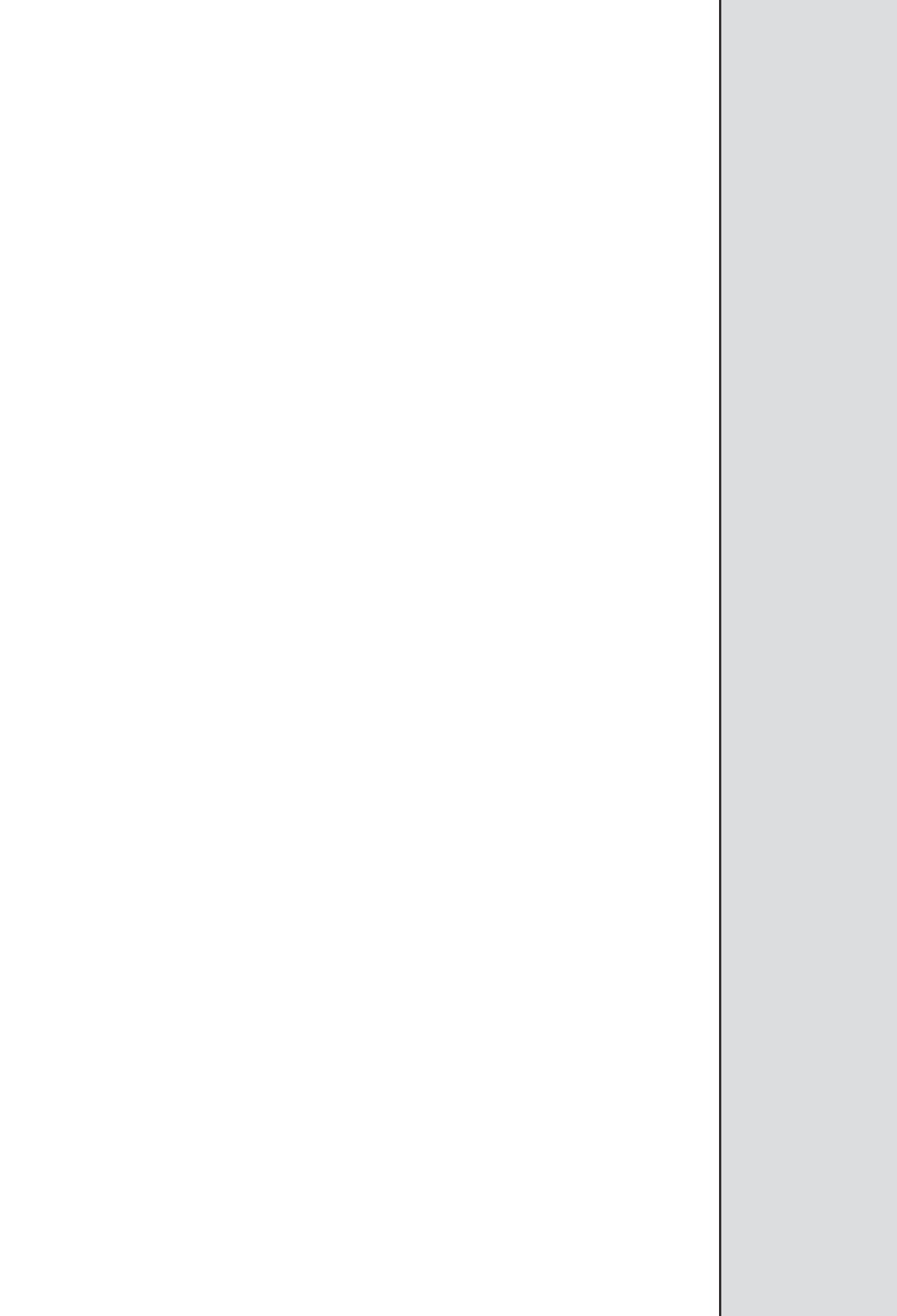
www.duzduzani.ir

[telegram.me /duzduzani_ir](https://telegram.me/duzduzani_ir)

[instagram.com /duzduzani_ir](https://instagram.com/duzduzani_ir)

فهرست

پیشگفتار.....	۷
سخن آغازین.....	۹
پیشینه بحث.....	۱۱
شرط اتحاد افق.....	۱۵
دلایل شرط نبودن اتحاد افق.....	۱۸
بررسی و نقد دلیل دوم.....	۲۳
دلایل شرط بودن اتحاد افق.....	۲۹
ثبوت اول ماه قمری با حکم حاکم شرع جامع شرایط.....	۳۴
دلایل قائلان به عدم نفوذ حکم حاکم.....	۳۶
دلایل قائلان به نفوذ حکم حاکم.....	۳۸
جمع بندی.....	۴۷
رؤیت هلال با ابزار نجومی.....	۴۸
استفتائات رؤیت هلال ماه.....	۵۳
ضمیمه.....	۵۴
منابع.....	۱۰۵
آثار و تالیفات.....	۱۰۷



پیشگفتار

بنا به درخواستی که از حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا یدالله دوزدوزانی (مدظله) شد، در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی، معظم له نظریات خویش را درباره «تأثیر ثبوت رؤیت هلال در یک محل بر آغاز ماه قمری در دیگر مکان‌ها» نوشتند که پس از بازنویسی توسط اینجانب با نام «رساله هلالیه» به عنوان بخش سوم کتاب «نقش افق در ثبوت هلال» در سال ۱۳۸۳ شمسی به چاپ رسید.

پس از گذشت نزدیک به یک دهه از آن زمان و با توجه به پدید آمدن مسائلی نودراین موضوع و نیز طرح سؤالاتی دیگر در اذهان متدینان و اقشار مختلف مردم جامعه، رساله هلالیه با الحاق دو بخش جدید و به‌طور مستقل در سال ۱۳۹۱ شمسی به چاپ رسید و در سال ۱۳۹۴ شمسی تجدید چاپ شد.

این دو بخش شامل «رؤیت هلال با چشم مسلح و ابزارهای نجومی و تأثیر آن در آغاز ماه قمری شرعی» که معظم له حدود ده سال پیش به قلم آورده است و نیز «تأثیر حکم حاکم در ثبوت رؤیت هلال ماه و آغاز ماه قمری شرعی» که بخش‌هایی از درس خارج فقه

ایشان بود. این بحث را استاد گرامی نزدیک به چهل سال پیش تدریس کرده بودند که پس از ترجمه و بازنویسی به عنوان بخش آخر رساله منتشر شدند.

در سال‌های اخیر و با توجه به نایاب شدن کتاب «نقش افق در ثبوت هلال»، کمبود مجموعه‌ای شامل مقایسه افق شهرهای مختلف ایران و کشورهای همسایه که امکان تأثیررؤیت هلال در آنها بریکدیگر وجود داشت، احساس می‌شد، از این رو، بخش دوم از کتاب مذکور با تغییرات، تصحیحات و اضافاتی به عنوان ضمیمه به رساله هلالیه افزوده شد و اکنون تقدیم دوست داران معارف و علوم دینی می‌گردد.

امید است که این تلاش مقبول درگاه احدیت و عنایت و دعای امام عصر (ارواحنا له الفداء) قرار گیرد.

خرداد ۱۳۹۶ شمسی مطابق با رمضان ۱۴۳۸ قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن آغازین

اخيراً دربارهٔ اینکه اتحاد افق در ثبوت هلال شرط است یا نه بسیار سؤال می‌شود. با اینکه این مسئله از قرن چهارم - عصر شیخ طوسی رحمته الله علیه - میان علما بحث و تبادل نظر شده، ولی در عصر ما به یکی از مسائل داغ و چالش برانگیز مبدل شده است.

از دیگر سو کاربرد وسایل ارتباط جمعی از قبیل تلفن، نمابر، رادیو، تلویزیون و... به شدت به این مسئله دامن زده، چه بسیار زمان‌هایی که ثبوت رؤیت ماه در اول سؤال زیر سؤال رفته و اختلاف آراء در این باب نقل مجالس شده است.

خود ما هم از اینکه در سی سال اخیر، ماه رمضان اغلب بیست و نه روزه شده، تعجب می‌کنیم در حالی که بر اساس حساب‌های نجومی چنین وضعی بعید است.

شاید همین مطالب باعث شده جمعی در آراء خود بازنگری کنند و به این نتیجه برسند که اتحاد افق شرط نیست و اگر در یک نقطه از زمین رؤیت هلال ثابت شود، در تمام نقاط ثابت می‌شود، چه رؤیت در سرزمین‌های شرقی و چه در سرزمین‌های غربی باشد. همین‌طور این مطلب را باور کنند که اگر رؤیت با چشم مسلح

هم حاصل شود، اول ماه ثابت می شود و تصور نمایند با این برداشت و تجدید نظرمی توان اختلاف را از میان برداشت و در جامعه اسلامی در یک روز عید اعلام کرد.

اما بعید است با این گونه آراء و تجدیدنظرها اختلاف حل شود؛ زیرا اختلاف، مبنایی است و نمی شود آراء عده ای را بردیگر صاحب نظران تحمیل کرد.

با توجه به درخواست بعضی از دوستان بر آن شدیم در این موضوع رساله ای مختصرو با بیانی همه فهم به نگارش درآوریم، شاید بتوانیم در راه نشر احکام اسلام به وظیفه خود عمل کنیم.

پیشینه بحث

مسئله‌ای که در این رساله بحث می‌شود (شرط بودن اتحاد افق در ثبوت اول ماه یا عدم اعتبار اتحاد افق برای ثبوت اول ماه در سایر مکان‌ها) از جمله مسایل مستحدثه^۱ نیست، بلکه حدود هزار سال پیش شیخ طوسی رحمته‌الله علیه در کتاب مبسوط، آن را عنوان کرده، البته پیش از ایشان کسی به این مسئله نپرداخته، بلکه پس از وی نیز تا زمان علامه رحمته‌الله علیه مسئله مورد غفلت و مسکوت عنه بوده، تا اینکه در کتاب تذکره و منتهی این فرع را مطرح کرد؛ بعد از ایشان بحث تا زمان ما در بین فقها متداول است.

در دوره معاصر این مسئله بیشتر مورد توجه قرار گرفته، علت توجه افزون‌تر علمای معاصر به این موضوع، فراوانی ارتباطات و وسایل انعکاس اخبار سرزمین‌های مختلف در کمترین زمان می‌باشد، در حالی که در دوران‌های گذشته چنین نبوده است. فتوای معروف بین علمای شیعه در اعصار مختلف این بوده است که اگر ماه در شهری رؤیت شود، در شهرهایی که در شرق آن قرار گرفته‌اند، اول ماه ثابت نمی‌شود. شیخ طوسی در کتاب مبسوط می‌فرماید:

۱. مسائل مستحدثه به مسائلی می‌گویند که در دوره‌های جدید برای بشر پدید آمده و پیش از آن مطرح نبوده و نوظهور است.

زمانی که ماه در شهری دیده شود، در خارج آن شهر به طوری که بیان کردیم. عمل به احکام اول ماه واجب است، اگر شهرهایی که ماه در آنجا دیده شده، نزدیک هم باشند، بطوری که اگر آسمان صاف بود و موانع نبود، ماه در این شهر هم دیده می شد، به دلیل متفق و نزدیک بودن عرض آن شهرها با هم، مثل شهرهای بغداد و واسط و کوفه و تکریت و موصل^۱ اما اگر شهرها از هم دیگر دور باشند، مثل بغداد و شهرهای خراسان و یا بغداد و شهرهای مصر در این صورت هر سرزمین حکم خود را دارد و واجب نیست براهل شهری عمل کردن به حکم شهر دیگری که در آن جا ماه را دیده اند.^۲

از عبارات بالا معلوم می شود که ایشان در ثبوت ماه، اتحاد افق را شرط می دانند نظر مشهور بین قداما و متأخرین همین است. مشهورترین فقیهی که در عصر حاضر در این مسئله قائل به عدم اعتبار اتحاد افق شده، مرحوم محقق آیت الله خوئی است. ایشان با طرح این بحث ادعا می کند که جمعی از علما در این مسئله با وی هم نظر هستند و این گونه از آنها نام می برد:

مرحوم علامه در کتاب تذکره این نظر را از بعضی از علمای شیعه نقل کرده و خود در کتاب منتهی آن را صریحاً قبول کرده، شهید اول در کتاب دروس احتمال داده این نظر درست باشد.

۱. ۱. همگی از شهرهای سرزمین عراق هستند.

۲. ۱. محمد بن حسن طوسی؛ المبسوط؛ ج ۱؛ ص ۲۶۸.

محدث کاشانی در کتاب وافی و صاحب حدائق در حدائق آن را صریحاً قبول کرده، صاحب جواهر در جواهر و مرحوم نراقی در مستند به آن میل نموده‌اند، نیز سید ابوتراب خوانساری در شرح نجات العباد و مرحوم حکیم در مستمسک خود اجمالاً به آن میل کرده‌اند.^۱

برای بررسی کلام ایشان با مراجعه به کتب مربوطه اجمالاً می‌گوییم:

اینکه علامه رحمته الله علیه این نظر را به بعضی از علما نسبت داده، فاقد اعتبار است. زیرا تا حال معلوم نشده که قائل آن کیست، در حالی که اگر قائل معتبری داشت صریحاً از او نام می‌برد و اگر اشتباهی در نسبت رخ نداده باشد، معلوم می‌شود چندان قابل اعتنا نبوده است.

خود علامه رحمته الله علیه در کتاب منتهی این نظر را قبول نکرده، بلکه پس از آنکه این نظر را در یک بحث طولانی تقویت نموده، در آخر کلام خود خلاف آن را پسندیده و چنین فتوا داده:

اگر معلوم شود که در یکی از نواحی ماه طلوع کرده و در ناحیه دیگری که دور از آن است، طلوع نکرده، به سبب گرد بودن زمین حکمشان مساوی نیست و اگر علم برای ما حاصل نشود حق این است که حکم به تساوی کنیم.^۲

۱. سید ابوالقاسم خویی؛ منهاج الصالحین؛ کتاب الصوم، الفصل السادس.

۲. «و بالجمله إن علم طلوعه فی بعض الاضقاع و عدم طلوعه فی بعضها المتباعد عنه لکرویة الارض لم یتساو حکماهما و أما بدون ذلك فالتساوی هو الحق.»

همین نظریه را مرحوم حکیم رحمته الله علیه و صاحب جواهر رحمته الله علیه قبول کرده اند.

باید گفت: گرچه مطلبی که مرحوم علامه رحمته الله علیه بیان فرموده، در کمال متانت است، ولی اظهار این است که برای حکم به تساوی دو ناحیه، باید تلازم آنها در رؤیت معلوم باشد.

اما کلام شهید اول رحمته الله علیه در دروس اصلاً مربوط به این مسئله نیست، بلکه ایشان احتمال داده: «اگر هلال در شرق دیده شود، اول ماه در غرب هم ثابت می شود.»

این فرض مورد اختلاف نیست، بلکه فرض مورد اختلاف صورتی است که اگر هلال در غرب رؤیت شود، آیا اول ماه در شرق ثابت می شود؟

پس کلام شهید در دروس به این مسئله ربطی ندارد و اشتباه از شخصی محقق هم چون آیت الله خویی رحمته الله علیه تعجب آور است.

اما سخن صاحب حدائق مبتنی بر عدم کرویت زمین است، زیرا معتقد به مسطح بودن زمین است که روی این اصل اختلاف در آفاق معنا ندارد.

می دانیم که کلام صاحب حدائق رحمته الله علیه بالضروره باطل است و قبول آن در زمان ما انکار بدیهی می باشد.

فیض کاشانی رحمته الله علیه هم گرچه در وافی که کتابی روایی است برای توجیه روایت مطلبی گفته، ولی نظرایشان در مفاتیح خلاف آن است.^۱

۱. عین عبارت ایشان این چنین است: «ویختلف الحكم باختلاف المطالع البلاد وفاقاً للأكثر ووجهه ظاهر.» فیض کاشانی؛ مفاتیح؛ ص ۲۵۷.

متأسفانه کتاب مرحوم سید ابوتراب خوانساری نزد ما نبود تا کلام ایشان را ملاحظه کنیم. بنابراین فقط مرحوم نراقی رحمته الله علیه در کتاب مستند، قائل به این قول شده، پس از ایشان مرحوم آیت الله خویی رحمته الله علیه از این نظر دفاع کرده و به آن قائل شده است.

شرط اتحاد افق

اکنون که با پیشینه بحث آشنا شدیم، برای روشن شدن مطلب باید دو مقدمه را بیان کنیم:

می‌دانیم که نور ماه اکتسابی است، یعنی از خود نوری ندارد و نور آن انعکاس نور خورشید است، نیز می‌دانیم که یک نیمه ماه همواره رو به خورشید قرار دارد و روشن است و نور خورشید را منعکس می‌کند. ولی این روشنایی همواره به طور یکسان برای اهل زمین قابل رؤیت نیست. یعنی ماه در شب‌های اول پس از اجتماع با خورشید به شکل هلال (کمان) دیده می‌شود، سپس به تدریج روشنایی آن زیادتر می‌شود تا اینکه در شب چهاردهم تمام نیمکره روشن ماه برای مردم زمین قابل رؤیت می‌شود. آنگاه روشنایی به تدریج کم می‌شود تا اینکه سه شب به آخر ماه مانده دیگر نور آن قابل درک نیست، این حالت را محاق می‌گویند، یعنی ماه ناپدید شده است.^۱ ماه در هر بیست و نه روز و دوازده ساعت و چهل و چهار دقیقه مدار طبیعی خود را به دور زمین طی می‌کند.

علت به وجود آمدن محاق این است که ماه تقریباً در این موقع میان خورشید و زمین قرار می‌گیرد و آن طرف ماه که نور می‌گیرد، به طرف آسمان و نیمه دیگر که نور نمی‌گیرد، به سوی زمین است. وقتی انحراف ماه از محل اجتماع آن با آفتاب به حدود هجده درجه

۱. گفته می‌شود که اگر زمین بین نور آفتاب و ماه مانع باشد، خسوف می‌شود که این را هم محاق می‌گویند. دهخدا از کتاب تحفه نقل می‌کند که نام این حالت محاق نیست و برفرض هم به آن «محاق» بگویند، باز مورد بحث ما نیست.

برسد، ماه قابل رؤیت خواهد شد و طرف زمین در این هنگام نور می‌گیرد که این حالت را هلال می‌گویند. هر چه فاصله ماه از آفتاب زیادتر شود، نور ماه زیادتر می‌شود تا ماه، بدر کامل شود (چهاردهم ماه).

پس از خروج ماه از حالت محاق زمانی رؤیت هلال برای اهل زمین امکان پذیر خواهد بود که فاصله ماه از محل اجتماع با خورشید چنان زیاد شود که شعاع آفتاب مانع دیده شدن نور ماه نگردد و نور ماه آن قدر باشد که با چشم غیر مسلح قابل رؤیت باشد. چون اگر نوری که به طرف زمین می‌آید، خیلی کم و ضعیف باشد، هلال ماه با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نخواهد بود.

براین اساس اگر رؤیت هلال در مکان یا شهری محقق شد، در شهرهای غربی اگر مانعی (مانند ابر و غبار و دود) نباشد، ماه قابل رؤیت خواهد بود و اول ماه ثابت می‌شود، چون فاصله ماه از آفتاب به قدری شده که قابل رؤیت است، هر قدر فاصله زیادتر شود، نور ماه بیشتر می‌شود؛ اما در شهرهای شرقی اگر فاصله قابل توجه باشد، معلوم نیست در آن شهرها ماه در همان شب قابل رؤیت باشد. چون ممکن است هنگام غروب آفتاب در شهرهای شرقی، ماه هنوز از تحت الشعاع خارج نشده باشد.

توضیح:

اگر ماه در تهران رؤیت شود، در شهرهای غربی مثل زنجان و تبریز قابل رؤیت است؛ زیرا پیش از غروب آفتاب در آن شهرها از محاق و تحت الشعاع خارج شده؛ اما در شهرهای خراسان که در شرق تهران

قرار گرفته‌اند، ممکن است قابل رؤیت نباشد. بلکه در بعضی از شهرهای شرقی اصلاً قابل رؤیت نیست. چون در آنجا هنگام غروب آفتاب هنوز از محاق خارج نشده بود. اگر ماه در غرب رؤیت شود، آیا اول ماه در شرق هم ثابت خواهد شد؟

نخست کلام و دلیل بزرگان را بررسی می‌کنیم، سپس فتوای مختار خود را بیان خواهیم کرد، انشاء الله.

دلایل شرط نبودن اتحاد افق

مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله علیه دو نوع دلیل بر مدعای خود آورده:

اول: دلیل اعتباری؛

دوم: دلیل روایی.

بررسی و نقد دلیل اول: دلایل اعتباری

در بیان دلیل اول گفته:

ماه قمری بر اساس وضعیت حرکت ماه و قرار گرفتن در جایگاهی خاص در مدار طبیعی آن نسبت به خورشید، آغاز می شود. ماه در نهایت دورش زیر شعاع خورشید، پنهان می شود. ماه در این حالت که محاق نامیده می شود، در هیچ نقطه زمین دیده نمی شود. پس از آنکه از محاق خارج شد و قابل رؤیت گشت، یک ماه قمری تمام و ماه قمری دیگر شروع می شود.

روشن است که خروج ماه از محاق، آغاز ماه جدید قمری برای تمام مکان های روی زمین است. با وجود اختلافی که در شرقی و غربی بودن دارند. اگرچه ماه به دلیل مانعی خارجی مانند شعاع آفتاب، کرویت زمین و بُعد مسافت، در بعضی مکان ها دیده می شود و در بعضی دیگر رؤیت نمی شود. این مطلب ارتباطی به خارج نشدن ماه از محاق ندارد، چون بدیهی است که خروج از محاق چندین بار روی نمی دهد، بلکه یک پدیده تکوینی است و تعدد در عالم تکوین قابل تصور نیست. این برخلاف طلوع آفتاب است که با تعدد مکان های مختلف، تعدد پیدا می کند و هر مکانی طلوع آفتاب خاص خود را داراست.

جواب:

در شروع ماه، درک و رؤیت شرط است، نه خروج تکوینی از محاق. شاهد ما این است که اگر ماه با چشم غیر مسلح قابل رؤیت نباشد و با تلسکوپ معلوم شود از محاق خارج شده، هیچ یک از علما - حتی معتقدان به شرط نبودن اتحاد افق - به ثبوت اول ماه قائل نشده‌اند.

توضیح:

از علل مهم خلقت ماه این است که مردم با آن وقت را بشناسند. این مهم حاصل نمی‌شود، مگر با درک و رؤیت، نه خروج تکوینی از محاق. برای روشن شدن مطلب توجه شما را به چند آیه از قرآن کریم جلب می‌کنم:

آیه اول:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ؛ «ای پیامبر

از تواز اهله و اول ماه‌ها، سؤال می‌کنند بگو آنها تعیین وقت

برای مردم و اعمال حج است.»^۱

روشن است که سؤال از ماهیت و حقیقت ماه نیست و گرنه مناسب بود که کلمه «هلال» به صورت مفرد به کار رود، نه به صورت جمع که اشاره به تغییر آن دارد و علامت تمام شدن ماه قبل و شروع ماه بعد است. پس ظاهر سؤال در مورد تغییر ماه از هلال به بدر و از ماهی به ماهی دیگر می‌باشد و جواب آن (وسیله تعیین وقت برای مردم) هنگامی صحیح و مفید خواهد بود که انسان‌ها تغییرات را درک کنند و گرنه خارج شدن واقعی ماه از محاق در حالی که برای

۱. بقره: ۱۸۹.

عموم قابل درک نباشد، نه تنها برای تعیین وقت مفید نخواهد بود، بلکه موجب اختلاف می‌شود و صحیح نیست بگوییم: «خروج تکوینی ماه از محاق، تعیین کننده وقت برای مردم و اعمال حج است» بلکه هلال قابل رؤیت است که جهت تعیین وقت برای مردم و اعمال حج مفید خواهد بود.

راوی از امام علیه السلام در مورد «اهله» می‌پرسد و امام می‌فرماید:

هِيَ أَهْلَةُ الشُّهُورِ، فَإِذَا رَأَيْتَ الْهَيْلَالَ فَصُمْ وَإِذَا رَأَيْتَهُ فَأَفْطِرْ؛^۱ مراد اول ماه‌هاست. وقتی که هلال را دیدی، روزه بگیر و وقتی آن را دیدی، افطار کن.

امام علیه السلام ملاک روزه گرفتن و خوردن را دیدن هلال قرار می‌دهد، نه خروج ماه از محاق.
آیه دوم:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ: اوست (خدا) کسی که آفتاب را درخشان و ماه را تابان قرار داد و برای آن منازلی مقدر کرد تا عدد سال و حساب را بدانید.^۲

آیه با صراحت دلالت می‌کند که خلقت ماه و کیفیت آن برای شناختن سال و حساب و محاسبه است. این هدف با درک و رؤیت هلال میسر است، نه خروج ماه از محاق که مردم متوجه

۱. محمد بن حسن حرّعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، باب ۵، از ابواب احکام ماه رمضان، ح ۴ و ۱۹.

۲. یونس: ۵.

آن نمی‌شوند... شاید همین مطلب از آیه شریفه «وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا؛ و خورشید و ماه را وسیله حساب گردانید»^۱ فهمیده شود. از این رو شیخ طوسی رحمته الله علیه گفته: «خداوند سبحان اشاره فرموده به آنچه در حساب آفتاب و ماه از مصالح بندگان در کارها و تاریخ‌ها و اوقات عباداتشان است.»

خداوند ماه و ستاره‌ها را برای حساب وقت و محاسبه خلق کرده و این ممکن نمی‌شود مگر با درک عموم مردم.

عجیب است که مرحوم آیت الله خویی رحمته الله علیه، حکم را دایر مدار خروج ماه از محاق قرار داده؛ در حالی که در آیات و روایات اشاره‌ای به این مطلب نشده، آنچه در آیات و روایات آمده، حکم را دایر مدار هلال و رؤیت آن کرده است که در هر محلی حکم خاص خود را دارد.

پس اگر هلال ماه در خراسان قابل رؤیت نباشد، در آن زمان صدق می‌کند که ماه هنوز تحت شعاع و در محاق است و اول ماه محقق نمی‌شود.

فرض می‌کنیم که ماه نیم ساعت پس از غروب آفتاب در خراسان از محاق خارج شده، مقارن غروب آفتاب تهران قابلیت رؤیت باشد و دیده شود، چه دلیلی وجود دارد که حکم رؤیت چنین هلالی به شهرهایی که غروب آنها پیش از تهران بوده. مثل شهرهای خراسان. تسری یابد، در حالی که می‌دانیم هلال در آن شهرها قابلیت دیده شدن را نداشته است؟ براین اساس نمی‌توان حکم کرد که با رؤیت هلال در تهران، در خراسان هم اول ماه است.

۱. انعام: ۹۶.

اگر قبول کنیم که خروج واقعی ماه از تحت الشعاع اصل است، باز اگر در تهران هنگام غروب، ماه از تحت الشعاع بیرون آمد و رؤیت شد، چون پیش از آن هنگام غروب آفتاب شهر مشهد، هنوز از تحت الشعاع خارج نشده بود، پس ماه جاری هنوز در مشهد تمام نشده و نمی‌توان گفت: در مشهد، ماه نو شروع شده است.

بررسی و نقد دلیل دوم:

روایات

عن هشام بن الحكم عن ابي عبدالله عليه السلام أَنَّهُ قَالَ فِيمَنْ صَامَ تِسْعَةَ وَعِشْرِينَ، قَالَ: إِنْ كَانَتْ لَهُ بَيِّنَةٌ عَادِلَةٌ عَلَى أَهْلِ مِضْرَ أَنْتَهُمْ صَامُوا ثَلَاثِينَ عَلَى زُوَيْتِهِ قَضَى يَوْمًا؛ هشام بن حکم از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند: در مورد کسی که بیست و نه روز، روزه گرفته بود فرمود: «اگر شاهد عادلّی داشته باشد که اهل شهر بر اساس رؤیت ماه سی روز، روزه گرفته‌اند، یک روز را قضا می‌کند.»^۱

خبر به مقتضای اطلاقش دلالت می‌کند که رؤیت در یک شهر برای دیگر شهرها کافی است، گرچه ماه در آنجا دیده نشود. حتی اگر هیچ مانعی، چه ابرو چه غیر آن در کار نباشد. و امام عليه السلام در روایت ثبوت هلال را مقید به اتحاد افق نفرموده با اینکه افق شهرها حتی در ممالک کوچکی مثل عراق متفاوت هستند...^۲

جواب: ظاهراً مراد از شهر در حدیث، شهر پرسشگر بوده، نه شهر دیگر.^۳ اگر خبر از این جهت مطلق باشد که شهر دیگری را هم

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۰، باب ۵، ح ۱۳.

۲. مرتضی بروجردی؛ مستند العروة؛ ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. ظاهر خبر این است که کسی اول ماه برایش یوم‌الشک بوده و روزه نگرفته، پس از بیست و نه روز ماه را می‌بیند و شک می‌کند که تمام ماه را روزه گرفته؟ شاید روز اول را روزه نگرفته باشد. حضرت می‌فرماید: اگر اهل شهر بیینه (دو شاهد عادل) داشته باشند به اول ماه که سی روز، روزه گرفته‌اند، او یک روز را

شامل شود، باز از نظر نزدیک و دور بودن شهرها اطلاق ندارد و امام در مقام بیان این جهت نبوده، می‌توان گفت که مراد، شهر دیگری که با شهر پرسشگر نزدیک بوده و یا شهری که غربی بوده، می‌باشد.

عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ يُعَمُّ عَلَيْنَا فِي تِسْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَعْبَانَ، قَالَ: لَا تَصُومُ إِلَّا أَنْ تَرَاهُ فَإِنْ شَهِدَ أَهْلُ بَلَدٍ آخِرَ فَاقْضِهِ؛^۱ اَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مِي گويد: از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ درباره هلال ماه رمضان در صورتی که هوا در بيست و نهم شعبان ابری شود، سؤال کردم، فرمود: روزه نگیر، مگر اینکه ماه را ببینی. اگر اهل شهر دیگر شهادت دادند که ماه را دیده‌اند، يك روز قضا کن.

آیت الله خوئی رَحِمَهُ اللهُ فرموده‌اند: «روایت بر کفایت رؤیت در شهر دیگر (چه افق آن با شهر فردی که سؤال کرده، متحد باشد یا مختلف) دلالت می‌کند، چون کلام امام مطلق است و قید ندارد.»^۲ پاسخ: اطلاق گیری با وجود اینکه در سؤال «ابری بودن هوا» فرض شده، مشکل می‌باشد. چون احتمال دارد فرض مذکور قرینه بر اینکه «دو شهر به حدی نزدیک هستند که اگر هوا ابری نبود، ماه قابل رؤیت بود» باشد. به علاوه، ادعای مطلق بودن روایت مشکل است، چون امام در صدد بیان این جهت نبوده‌اند که تمام شهرها، گرچه دور و با هم در افق مخالف باشند، این حکم را دارند، بلکه قضا می‌کند.

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ باب ۳، از ابواب احکام ماه رمضان، ح ۹.

۲. مرتضی بروجردی؛ مستند العروه؛ ج ۲، ص ۱۲۱.

قدر متیقن شهر نزدیک و موافق با افق شهر پرسشگر است.
از این گفتار پاسخ روایت دیگری که آیت الله خویی رحمته الله علیه به آن
استدلال کرده، روشن می شود:

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ هِلالِ
رَمَضانِ يُعَمُّ عَلَيْنَا فِي تِسْعٍ وَعَشْرِينَ مِنْ شَعْبَانَ فَقَالَ: لَا تَصُمْهُ
إِلَّا أَنْ تَرَاهُ فَإِنَّ شَهْدَ أَهْلِ بَلَدٍ آخِرَاتِهِمْ رَأْيُهُ فَأَقْضِهِ...؛ اسحاق
بن عمار می گوید: از امام صادق عليه السلام درباره هلال ماه رمضان
که در روز بیست و نهم شعبان ابری شود، سؤال کردم، فرمود:
آن روز را روزه نگیر، مگر اینکه ماه را ببینی، پس اگر اهل شهر
دیگری شهادت دادند که ماه را دیده اند، آن روز را قضا کن...
از جمله روایاتی که آیت الله خویی رحمته الله علیه به آن برمدعای خود
استدلال کرده و آن را واضح ترین روایات نامیده، صحیحه ابی بصیر
از امام صادق عليه السلام است که می گوید:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْيَوْمِ الَّذِي يُقْضَى مِنْ شَهْرِ رَمَضانِ فَقَالَ: لَا تَقْضِهِ إِلَّا
أَنْ يَثْبُتَ شَاهِدَانِ عَدْلَانِ مِنْ جَمِيعِ أَهْلِ الصَّلَاةِ مَتَى كَانَ رَأْسُ
الشَّهْرِ وَقَالَ: لَا تَصُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي يُقْضَى إِلَّا أَنْ يَقْضَى أَهْلُ
الْأَمْصارِ، فَإِنْ فَعَلُوا فَصُمْهُ^۲؛ از امام درباره روزی که از ماه رمضان
قضا می شود سؤال شد، فرمود: قضا نکن، مگر اینکه دو شاهد
عادل از تمام نمازگزاران شهادت دهند که چه وقتی اول ماه

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۰، باب ۸، از ابواب احکام ماه
رمضان، ح ۳.

۲. همان، باب ۱۲، از ابواب احکام ماه رمضان، ح ۱.

بوده، باز فرمود: آن روزی را که قضا می‌شود، روزه نگیرمگر اینکه تمام اهل شهرها آن را قضا کنند. اگر قضا کردند، تو هم روزه خود را قضا کن.

ایشان در مقام استدلال به این حدیث فرموده:
شاهد در روایت دو جمله است:

فرمایش امام علیه السلام که فرمود: «دو شاهد از نمازگزاران باشند.» جمله دلالت می‌کند حکم اختصاص به شهر خاصی ندارد، بلکه حکمی برای تمام مسلمانان است که در شهرهای مختلف می‌باشند، اعم از اینکه افق آنها با همدیگر متحد باشد یا مختلف، پس هر وقت بینة (دو شاهد عادل) از تمام شهرها فراهم شد، برای اهل این شهر هم کفایت می‌کند که روزه را قضا کنند.

شاهد دوم، کلام امام علیه السلام در روایت است که می‌فرماید: «مگر اینکه اهل شهرها آن روز را قضا کنند.»

معلوم می‌شود که شهرها با هم فرق نمی‌کنند و تمام شهرها حکم‌شان یکی است.

جواب: روایت نه تنها بر مدعای ایشان دلالت نمی‌کند، بلکه دلالت بهتری برخلاف آن دارد. زیرا جمله اول «دو شاهد از نمازگزاران» فقط دلالت می‌کند که در شاهد، عدالت شرط است. با وجود این شرط، شاهد از هر گروه و طبقه اجتماعی می‌تواند باشد و افراد خاصی لازم نیست.

همین معنی را مرحوم فیض کاشانی رحمته الله علیه هم فهمیده و می‌گوید:

«یعنی از هر مذهبی از اهل اسلام باشد.»^۱

۱. ملا محسن فیض کاشانی؛ الوافی؛ ج ۲، ص ۲۳.

بنابراین امام در روایت نمی‌خواسته بگوید که شاهد از هر شهر و سرزمینی باشد، کافی است.

اما جمله دوم: «روزه نگیر... مگر اینکه آن روز را تمام اهل شهرها قضا کنند» انصاف این است که بر وجوب قضا در صورتی که تمام اهل شهرها آن روز را قضا کنند، دلالت می‌کند، چون حکم قضا مشروط بر «تمام اهل شهرها» شده، نه یک شهر؛ روشن است که اگر در تمام شهرها اول ماه ثابت شود، در شهری که بین آنها واقع است، هم ثابت می‌شود و شرط بودن اتحاد افق در آن معنا ندارد.

اگر آنگونه که ایشان ادعا کرده، روایات پیشین مطلق باشند، باز روایت به طوری که بیان کردیم ظهور در اعتبار اتحاد افق دارد. بدین‌گونه دو گروه روایات با هم تعارض پیدا می‌کنند و نمی‌توانیم دسته اول را مقدم بدانیم. اگر نگوییم که این روایت مقید روایات قبل می‌باشد. و هر دو به جهت تعارض از اعتبار ساقط می‌شوند. و در این حالت باید به ظهور «صُمَّ لِلرَّؤْيِیْهِ وَأَفْطَرَ لِلرَّؤْيِیْهِ» مراجعه کرد که در ادامه بحث به بررسی آن خواهیم پرداخت.

ایشان در پایان، مدعی خود را با دو مطلب تأیید کرده:

اول اینکه در دعای روز عید آمده: **أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا؛** از توبه حق امروز که آن را برای مسلمانان عید قرار داده‌ای، می‌خواهم...^۱

از این جمله معلوم می‌شود که خداوند با همه اختلافی که در آفاق وجود دارد. یک روز مشخص را که به آن با لفظ «هذا»

۱. دعای قنوت نمازهای عید فطر و قربان.

اشاره می‌شود، عید قرار داده است نه این که هر سرزمینی عیدی مخصوص داشته باشد که با عید دیگر سرزمین‌ها فرق کند. دوم؛ آیات شریفه‌ای که در مورد شب قدر وارد شده و اینکه آن شب از هزار ماه بهتر است و در آن «هر امر با حکمت، جدا و فیصله داده می‌شود.»^۱

از این آیات ظاهر می‌شود که آن شب، برای تمام مردمان و جمیع اهل عالم یک شب معین است، نه اینکه هر محلی و مکانی شب قدر خاص خود را داشته باشد غیر از شبی که برای جای دیگر است.»

در جواب ایشان می‌گوییم:

اول؛ برگفتار ایشان نسبت به آن شهرها که در نیمه دیگر زمین قرار گرفته و شب آن با نیم کره مقابل اشتراک ندارد، نقض وارد است. زیرا خود ایشان صریحاً فرموده: «شرط نبودن اتحاد افق برای محل‌هایی است که در شب با هم اشتراک داشته باشند.» از ایشان می‌پرسیم: چگونه برای محل‌هایی که در شب اشتراک ندارند، صحیح است که در روز بعد بگویند: «امروز را برای مسلمانان عید قرار داده‌ای؟» در حالی که مثلاً دیروز عید بوده و چگونه اهل چنین مکان‌هایی به شب محلّ خود «ليلة القدر» بگویند؟ در حالی که فرض آیت الله خوئی رحمته الله علیه این است که شب قدر در واقع یک شب است. دوم؛ مراد از عبارت «امروز را برای مسلمانان عید قرار داده‌ای»، روز

۱. دخان: ۴ / قدر.

اول سؤال یا دهم ذی الحجه هر محل است، همان طور که در دعای شب جمعه یا شب های ماه رمضان چنین الفاظی وجود دارد، در حالی که در جاهای دیگر هنوز شب نشده، بلکه هر وقت مصداق شب در خارج محقق شد، این گونه عبارات برای شخص مصداق پیدا می کند.^۱

سوم؛ دلیلی نداریم که «لیلة القدر» برای تمام جهانیان یک شب است. شاید برای افرادی که ماه در محل آنها شب بعد قابل رؤیت است، آن شب «لیلة القدر» باشد و دلیلی برای بعید دانستن آن وجود ندارد.

پس از تمام این مطالب می گوئیم: برای فقیه سزاوار نیست به این گونه مطالب تمسک جسته و فتوا بدهد یا شاهی بر مدعای خود بیاورد.

تا اینجا معلوم شد که دلیلی بر «شرط نبودن اتحاد افق» وجود ندارد و آنچه آیت الله خویی رحمته الله علیه گفته برای استدلال کافی نیست.

۱. یعنی می توان گفت که این مناسبت نسبی است و نسبت به محل های مختلف تفاوت می کند و این مفهوم واحد دارای مصداق های متعدد خارجی است.

دلایل شرط بودن اتحاد افق

برای «شرط بودن اتحاد افق» دو نوع دلیل موجود است:

اول: آیات قرآن؛

دوم: روایات.

دلیل اول: آیات

دو آیه در بخش «نقد دلایل شرط نبودن اتحاد افق» بیان شد و در

اینجا به آنها اشاره می‌کنیم، سپس به آیه دیگری می‌پردازیم:

در آیه:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ؛ ای پیامبر!

از توواز اهله و اول ماه‌ها سؤال می‌کنند، بگو تعیین وقت برای

مردم و اعمال حج است.^۱

خدا به کسانی که درباره تغییرات ماه از هلال تا بدر، پرسیده‌اند

پاسخ می‌دهد. سؤال این است که چرا ماه همیشه به صورت بدر

و پرنور خلق نشده که مردم از آن استفاده کنند، در جواب خداوند

می‌فرماید: حالات مختلف که برای ماه به وجود می‌آید، برای

دانستن اوقات توسط مردم و اعمال حج است.

با تغییر شکل‌های مختلف ماه (هلال و بدر) مردم می‌توانند

قراردادهای اجتماعی و اعمال عبادی خود را تعیین کنند. مثلاً

مهلت ادای بدهی خود را پانزدهم ماه فلان و یا پایان زمان اجاره را اول

ماه قرار دهند که به وسیله هلال و بدر ماه، وقت روشن خواهد شد.

همین طور است اوقات حج و ماه‌های حرام و روز عرفه و هنگام عید

۱. بقره: ۱۸۹.

که با اهلۀ روشن می شود. این مطلب تحقق نمی یابد مگر با درك، نه خروج ماه از محاق در یک شهر. مطلب برای فرد آگاه و کسی که در آیه تأمل کند، روشن می شود.

همین معنی در آیه دیگر با بیانی دیگر آمده:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا
عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ؛ اوست (خدا) کسی که آفتاب را
درخشان و ماه را تابان قرار داد و برای آن منازلی مقدر کرد تا شمار
سال و حساب را بدانید.^۱

آیه به روشنی دلالت می کند که مردم به تعیین وقت نیاز دارند، از این رو خداوند ماه را به کیفیت خاصی آفریده که با آن سال و ماه و حساب وقت روشن شود. پس باید انسان ماه را درک کند و درك، تعیین کننده وقت است، نه اینکه خروج ماه از محاق در یک محل، برای دیگر مکان ها، تعیین کننده وقت باشد. در آیات دیگری هم به این مطلب اشاره شده است.

آیه سوم:

وَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ؛ هر کس از شما ماه رمضان را
درك کند، پس آن ماه را روزه بگیرد.^۲

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می گوید:

مراد از «شَهِدَ» در آیه به معنی حضور به همراه اطلاع یافتن به

۱. یونس: ۵.

۲. بقره: ۱۸۵.

جهت حضور است.^۱ شهادتِ «شَهْدَ» محقق می‌شود به اینکه به ماه رمضان برسد و از آن اطلاع داشته باشد.^۲

از این گفتار معلوم می‌شود که شهادت (درک) محقق نمی‌شود مگر اینکه ماه قابل رؤیت باشد. پس رؤیت در شهر غربی که بر اساس فرض، هلال تازه در آن متولد شده، اول ماه را در شهر شرقی ثابت نمی‌کند. چون در آن شهر هنوز ماه متولد نشده و قابل درک و رؤیت نیست اگر «شَهْدَ» را در آیه، رؤیت معنی نماییم که بعید نیست چنین باشد، باز دلالت می‌کند باید ماه در محل، قابل رؤیت باشد؛ نتیجه در هر دو وجه «شرط بودن اتحاد افق» است. اگرچه با قبول معنی دوم. یعنی رؤیت. لازم می‌آید که انسان خود، ماه را ببیند؛ اما از روایات دیگر فهمیده می‌شود که قیام بینة به رؤیت در ثبوت ماه کافی است. اگر گفته شود که مراد از «شَهْدَ» در آیه «حاضر» در مقابل «مسافر» است، چنان‌که جمعی از مفسران گفته‌اند، در جواب می‌گوییم: تفسیر «شهد» به معنی حضور در مقابل مسافر، صحیح نیست. چون این تفسیر وجهی ندارد و هیچ‌جا «شهود» در مقابل «مسافر» گفته نشده؛ بلکه آیه بعداً حکم مسافر را بیان می‌کند که حکمی مستقل است و دلیل نمی‌شود که «شهد» به معنی حاضر باشد. روایت عیاشی نیز طبق گفته ما معنا می‌شود که امام باقر علیه السلام فرمود:

مَنْ شَهِدَ رَمَضَانَ فَلْيُصِّمُهُ وَمَنْ سَافَرَ فَلْيُفْطِرْ؛ هر کس ماه رمضان

۱. وقتی می‌گویی: «در وقوع فلان امر شاهد بودم» یعنی حاضر بودم و در نتیجه حضورم از جریان اطلاع یافتیم.

۲. محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۱.

را درک کند، روزه بگیرد و اگر در آن ماه مسافرت کرد، روزه را بخورد.^۱

دلیل دوم: روایات

روایات بسیاری از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده و همگی بر اینکه شرط ثبوت اول ماه، رؤیت هلال است، دلالت دارند. امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَصُومُوا وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا؛ هنگامی که هلال

را دیدید، روزه بگیرید و هنگامی که آن را دیدید، افطار کنید.^۲

نظیر این روایت در این باب بسیار است که نیازی به نقل آنها نیست. روایات دلالت می‌کند که رؤیت هلال لازم است. بدیهی است رؤیت هلال در سرزمین‌های غربی، ملازم رؤیت آن در سرزمین‌های شرقی نیست. ای بسا که رؤیت در شرق ممکن نمی‌شود، چون ماه هنگام غروب آفتاب آن مکان‌ها هنوز از تحت الشعاع خارج نشده است تا قابل رؤیت باشد.

ممکن است گفته شود: لازمه چنین سخنی آن است که اگر خود انسان ماه را نبیند، لازم نیست روزه بگیرد؛ اما این حرف را کسی نگفته و روشن است که برای ثبوت ماه رؤیت شخصی لازم نیست. در جواب می‌گوییم: با ادله دیگری فهمیم که رؤیت شخصی برای ثبوت هلال لازم نیست و ثبوت آن در محلی گرچه با دیدن دیگران کافی است. در صحیح‌ه منصور بن حازم آمده، امام فرمود:

عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: صُمْ لِرُؤْيَا

۱. تفسیر عیاشی در ذیل آیه ۱۸۵ از سوره بقره.

۲. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۰، باب ۳ از احکام روزه، ح ۲.

الْهَلَالِ وَأَفْطَرُ لِلرُّؤْيِيَةِ وَإِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ شَاهِدَانِ مَرْضِيَّانِ بِأَنَّهُمَا
رَأَيَاهُ فَأَقْضِيهِ؛ با دیدن ماه روزه بگیر و با دیدن آن افطار کن، پس
اگر دو نفر شاهدِ مقبول شهادت دادند که ماه را دیده‌اند، آن روز
را قضا کن.^۱

روایاتی با این مضمون بسیار است که بر ثبوت اول ماه با بینه
دلالت می‌کند، ولی اطلاق ندارند تا شامل شهرهایی که با هم
اختلاف افق دارند شوند.

خاطرنشان می‌کنم که اگر قائل به «شرط نبودن اتحاد افق» شویم
و قبول کنیم که اگر هلال در یک ناحیه دیده شد، برای تمام نقاط
زمین حتی نقاطی که در شرق آن ناحیه قرار دارند، اول ماه ثابت
می‌شود، چون در اکثر مواقع هلال در سرزمین‌های غربی یک روز
زودتر از سرزمین‌های شرقی رؤیت می‌شود، باید ملتزم شویم که
مسلمانان مدت‌های طولانی و در قرن‌های متمادی اکثراً روز عید
فطر را روزه گرفته و فردای عید را عید دانسته‌اند. حتی در زمان ائمه:
مسلمانان سرزمین‌هایی که در شرق حجاز قرار دارند، مثل اهالی
ایران، عملاً روزی را که در مدینه عید بوده، به حکم «صُمْ لِلرُّؤْيِيَةِ وَ
أَفْطَرُ لِلرُّؤْيِيَةِ»^۲ روزه می‌گرفتند.

معلوم می‌شود که در قرن‌های متوالی چه در عصر ائمه: و چه
در دوران‌های بعدی مردم به وظیفه خود عمل کرده‌اند و الآن هم
همان‌طور باید عمل شود.

۱. همان، باب ۳ از ابواب احکام ماه رمضان، ح ۸.

۲. با دیدن هلال روزه بگیر و با دیدن آن افطار کن.

برای اثبات این نظر می‌توان دلایلی غیر از دو دلیل مذکور هم بیان کرد، که دیگران ذکر نموده‌اند؛ اما دلیل مهم همین دو دلیل بود که بیان کردیم.

ثبوت اول ماه قمری با حکم حاکم شرع جامع الشرایط

درباره ولایت در دو بخش، یعنی ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و ولایت فقها، بحث شده، چون بحث در بخش نخست در زمان ما هیچ گونه فایده عملی ندارد، از طرح آن صرف نظر می‌کنیم و چون ولایت فقها به موضوع بحث ما که بررسی تأثیر حکم حاکم شرع جامع الشرایط در ثبوت اول ماه قمری است، مربوط است، نظریات مربوط به آن را به شکل خلاصه طرح کرده و به موضوع بحث خویش می‌پردازیم. ولایت فقیه به سه صورت قابل تصور است و می‌توان گفت میان فقیهان سه قول در آن وجود دارد:

نخست؛ ولایت مطلقه فقیه:

قائلان به ولایت مطلقه فقیه معتقدند که ولایت فقها محدودیتی ندارد و می‌تواند بالاتراز حدود شرعی باشد، به عبارتی دیگر ولایت ایشان در محدوده احکام شرعی نیست و فقیه می‌تواند در عبادات و معاملات، بالمعنی الاعم 'خلاف احکام را اجرا کند، مثلاً مالی را از مردم بگیرد یا زنانشان را مطلقه سازد.

دوم؛ ولایت عامه فقیه:

قائلان به این نظر معتقدند که فقها مجاز هستند در محدوده شرع تصرف و دخالت کنند و به امور حسبیه - که تعریف آن بعداً

۱. بالمعنی الاعم در مقابل بالمعنی الاخص است. در اخص باید دو طرف باشند مانند خرید و فروش اما در معاملات بالمعنی الاعم وجود یک طرف کافی است مانند طلاق و صدقه.

خواهد آمد. محدود نیستند و به عنوان ثانوی و مصلحت می‌توانند در احکام شرعی دخالت کنند، مثل حکم میرزای شیرازی رحمته الله علیه به تحریم تنباکو که به عنوان ثانوی و مقتضای مصلحت حکمی صادر می‌کنند. بنابر عنوانی ثانوی فقیه می‌تواند حکومت تشکیل دهد و برای اداره جامعه اقدام کرده و قانون وضع نماید.

سوم؛ ولایت فقیه در امور حسبیه:

امور حسبیه به کارهایی گفته می‌شود که انجام آنها در جامعه به خاطر خدا، لازم است و متصدی خاصی ندارند که اگر فقیه به مدیریت آنها نپردازد برای جامعه مشکل ساز خواهد شد. معتقدان به نظریه سوم، قائلند فقیه تنها در این امور ولایت دارد. امور حسبیه تنها ولایت بر صغار و اموال کسانی که غایب شده‌اند و دیوانگان نیست؛ بنابراین فقیه می‌تواند قضاوت کند و یا در مواردی حکومت تشکیل دهد. مثلاً اگر در جامعه حاکم صالحی وجود نداشته باشد، هرج و مرج منطقه یا کشور را فراگیرد، پس حاکم شرع حکومت تشکیل می‌دهد.

میان فقها قدر متیقن این است که ولایت فقیه در صورت سوم می‌باشد. روشن است که بنا بر دو قول اول، حاکم می‌تواند به ثبوت اول ماه حکم نماید، ولی فقهای که معتقد به قول سوم در ولایت فقیه شده‌اند، در این مورد اختلاف پیدا کرده‌اند. گروهی معتقد به نافذ بودن حکم حاکم شرع در ثبوت اول ماه و گروهی دیگر معتقد شده‌اند که اول ماه با حکم حاکم شرع ثابت نمی‌شود.

هریک از دو گروه برای نظر خویش دلایلی ذکر کرده‌اند که به

بررسی آنها پرداخته و نظر خود را بیان خواهیم کرد.

دلایل قائلان به عدم نفوذ حکم حاکم

فقهایی که قائل شده‌اند با حکم حاکم شرع اول ماه ثابت نمی‌شود، دلایلی ذکر کرده‌اند:

اطلاق روایات

روایاتی که در ثبوت اول ماه وارد شده مطلق هستند و دلالت دارند که اعتماد به غیردو شاهد برای ثبوت اول ماه صحیح نیست.

امام صادق علیه السلام از امیرالمومنین علیه السلام نقل کرده:

لَا أُجِزُ فِي الْهَلَالِ إِلَّا شَهَادَةَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ؛ در ثبوت هلال جز

شهادت دو مرد عادل را جایز نمی‌دانم.^۱

روایات دیگری نیز در باب یازدهم از ابواب احکام ماه رمضان در جلد یازدهم کتاب وسائل الشیعه وجود دارد که چنین اطلاقی دارند.

نقد: صاحب جواهر رحمته الله علیه به این استدلال ایراد کرده و گفته که انحصار را حضرات معصومین علیهم السلام درباره شهادت زنان بیان فرموده، جز با شهادت دو مرد عادل، شهادت دیگری را برای ثبوت رؤیت جایز ندانسته‌اند روشن است به دلیل معتبر بودن رؤیت شخصی و نیز شیاع (که در ضمن انحصار نیامده ولی کسی نگفته) به ثبوت رؤیت هلال با این راه‌ها اشکال نگرفته است. به نظر ما

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۰، ص ۲۸۷، باب ۱۱، آنه ثبت الهلال بشهادة رجلین... از ابواب احکام شهر رمضان، ح ۱.

این پاسخ به جا می باشد و نمی توان برای انحصار مزبور اطلاق قائل شد.

اخبار

روایات راه اثبات هلال را در رؤیت شخصی، شهادت دو مرد عادل، شیاع مفید و گذشتن سی روز از ماه پیش منحصر ساخته اند که حکم حاکم شرع میان آنها نیست.

نقد: روایات مذکور انحصار را نمی رسانند، بنابراین دلایل قبول حکم حاکم، مقید آنها و حاکم بر این گونه روایت است.

اصل

شک می کنیم که آیا اول ماه علاوه بر راه های ذکر شده در روایات با حکم حاکم شرع ثابت می شود؟

مرجع، اصل عدم ثبوت اول ماه با حکم حاکم است.

نقد: هر فقیهی، بلکه هر طلبه که اصول خوانده باشد، می داند که اصل در جایی می تواند مورد استدلال قرار گیرد که دلیلی دیگر وجود نداشته باشد؛ بنابراین استدلال به اصل در اینجا صحیح نیست.

ظن

بر اساس آیات قرآن کریم و اخبار و روایات، تنها یقین حجت است و ظن و گمان، شرعاً حجیتی ندارد، بنابراین حکم حاکم که جز ظن و گمان به ثبوت اول ماه برای ما دستاوردی ندارد، از نظر شرعی حجیتی ندارد.

نقد: با وجود ثبوت حجیت حکم حاکم، رجوع به او از باب ظن نخواهد بود، بلکه در این صورت حکم او حجت است و اصطلاحاً علمی می باشد.

دلایل قائلان به نفوذ حکم حاکم

فقهایی که معتقد شده اند حکم حاکم شرع برای ثابت شدن اول ماه کافی است، به پنج دلیل استدلال کرده اند:

روایات عام

روایات بسیاری نقل شده اند که به طور عموم دلالت دارند فقها در امور اجتماعی از سوی شارع مقدس به عنوان مرجع معرفی شده اند. برخی از روایات را نقل می کنیم:

اول، شیخ صدوق رحمته الله علیه در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه از نائب خاص امام زمان علیه السلام نقل کرده:

... وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ...؛ در رویدادهایی که پیش می آیند به راویان حدیث ما مراجعه کنید، چون ایشان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا هستم.^۱

گفته شده که الف و لام «الحوادث» عموم را می فهماند که شامل تمام مسائل در آینده می شود. این حوادث و مسائل، انواع مختلفی دارند که برای دست یابی به حکم آنها نیاز به حکم شرع وجود دارد

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۱۴۱، باب ۱۱، وجوب الرجوع فی القضاء...، ح ۹.

و دلیلی ندارد که آنها را منصرف به مسائل خاصی بدانیم. نقد: ضعف سند روایت به دلیل مجهول بودن اسحاق بن یعقوب که از راویان حدیث است و ضعف دلالت آن روشن است چون قدر متیقن از معنای روایت. اگر ظهور نداشته باشد. این است که پرسش از فتوا را می‌رساند. حداکثر برداشتی که می‌توان از روایت استفاده کرد این است که شامل هر مسئله‌ای شود که جز رجوع به حاکم شرع راه دیگری نداشته باشد. و روشن است که رؤیت هلال از این‌گونه مسائل نیست، چون راه‌های دیگری برای اثبات آن وجود دارد، همانند دیدن خود انسان و شهادت دو مرد عادل.

اگر کسی این سخن را نپذیرد و ادعا کند که روایت شامل هر مسئله فقهی بوده، بلکه شامل موضوعات هم می‌شود، از او خواهیم پرسید که اگر حاکم شرع حکم کند که فلان چیز غضبیبی یا نجس است، آیا باز اجتناب از آن برای مکلف واجب است، در حالی که دلیلی برای این سخن وجود ندارد، بلکه در موضوعات، تأثیر حکم حاکم ثابت نشده، مگر این که به تفاوت میان هلال و غیر آن قائل شویم و بگوییم که پدید آمدن اختلاف در هلال ملازم اختلاف در نظام می‌باشد که از مسائل عام است. این مطلب بعداً بیان خواهد شد.

دوم، روایتی شیخ کلینی رحمته الله علیه از امام صادق ع نقل کرده و معروف به مقبوله عمر بن حنظله می‌باشد. در بخشی از روایت آمده است:

... يَنْظُرَانِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدَرَوْى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَفَى حَلَالِنَا وَ

حَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يُقْبَلْ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتُخِفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ... به کسی از شما را که حدیث ما را روایت کند و در حلال و حرام ما نظر داشته باشد و احکام ما را بشناسد، مراجعه کنند و به حکم کردن او رضایت دهند، پس من او را بر شما حاکم قرار دادم، پس هرگاه به حکم ما حکم کند و از او پذیرفته نشود، حکم خدا کوچک شمرده شده است.^۱

سوم، شیخ طوسی رحمته الله علیه از ابی خدیجه نقل کرده که امام صادق ع فرمود:

إِجْعَلُوا بَيْنَكُمْ رَجُلًا قَدْ عَرَفَ حَالَنا وَ حَرَامِنَا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ قَاضِيًا؛ میان خویش مردی که حلال و حرام ما را بشناسد قرار دهید، چون او را بر شما قاضی قرار دادم.^۲

نقد: ظاهر دو روایت بر نزاع و قضاوت دلالت دارد. همچنین سند هردو اشکال دارد، چون روایت نخست با وجود عمر بن حنظله در سند آن، تضعیف شده، روایت دوم به دلیل اشتراک در ابو خدیجه (که یکی از راویان است) تضعیف شده است.

پاسخ نقد: به نظر ما ابو خدیجه موجود در سند روایت موثق است، چون وی در سلسله سند همان سالم بن مکرم است که فردی موثق می باشد و سالم بن سلمه نیست که ضعیف است. شاید شیخ با این

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۱۳۷، باب ۱۱ وجوب الرجوع فی القضاء...، ح ۱.
۲. همان، ح ۶.

توهم که ابی خدیجه موجود در سند، سالم بن سلمه است، روایت را ضعیف شمرده است. در مورد روایت عمر بن حنظله هم بعید نیست قائل به اعتبار آن شویم چون نزد فقها به مقبوله معروف است.

در مورد دلالت آن هم ممکن است بگوییم معنای عبارت «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» این است که تمام وظایف حاکم را برعهده دارد که از جمله آنها رفع اختلافات و خشکاندن سرچشمه درگیری‌ها و اعلام ثبوت هلال و حکم به روزه گرفتن و عید فطرو نیز برپایی نماز عید فطرو... است، چون در زمانی که امام عَلَيْهِ السَّلَام این سخن را فرمود، برای ثبوت هلال به حاکم رجوع می‌کردند و به رؤیت شخصی و شهادت دو نفر اکتفا نمی‌نمودند، چون اگر به این دوراه بسنده می‌شد، میان مسلمانان هرج و مرج به وجود می‌آمد که شارع به آن راضی نیست. اگر خواننده محترم آداب عبادی ویژه روزه و شب و نیز ادعیه و نمازها را بررسی کند، خواهد دید که آنها اجتماعی هستند و شارع جز با حکم حکومت راضی به انجام آنها نیست.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

إِذَا شَهِدَ عِنْدَ الْإِمَامِ شَاهِدَانِ أَتَاهُمَا رَأْيَا الْهَلَالَ مُنْذُ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَمَرَ
 الْإِمَامُ بِالْإِفْطَارِ ذَلِكَ الْيَوْمَ؛ وَتَمَّتْ فِيهِ يَوْمًا مِنْ رُزُوقِ الْمَرْءِ عَادِلٍ
 نَزَدَ الْإِمَامِ شَهَادَتِ دَانِدَنْدِ كَهْ مَاهِ رَا دِيدَهْ اَنْدِ، اِمَامِ بَهْ اِفْطَارِ اَنْ رُوزِ
 فَرْمَانِ مِي دَهْد...!

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۷، باب ۹ حکم مالوثبت هلال شوال...، حدیث اول و ج ۱۰، باب ۶ أن من أصبح يوم الثلاثين من شهر رمضان...، حدیث اول

روایت دلالت دارد که اعلان شروع و پایان روزه در اختیار پیشوا و حاکم است.

روایات خاص

روایاتی از ائمه معصومین: در خصوص ثبوت رؤیت هلال به حکم حاکم نقل شده که شیخ حرعاملی رحمته الله علیه آنها را در باب (جواز الافطار للتقية والخوف من القتل ونحوه...) گردآوری کرده، ولی باید گفت اکثر روایات باب دلیل مدعای ماست، چون وجود تقیه نشانگر این است که اعلان رؤیت هلال از وظایف حاکم می باشد. برای روشن شدن مطلب، دو نمونه از این روایات را نقل می کنیم: روایت نخست: شیخ صدوق رحمته الله علیه از عیسی بن ابی منصور نقل کرده که:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ، فَقَالَ: يَا غُلَامُ إِذْهَبْ فَانظُرْ أَ صَامَ سُلْطَانٌ أَمْ لَا، فَذَهَبْتُ ثُمَّ عَادَ فَقَالَ: لَا فِدَاعًا بِالْغَدَاءِ فَتَعَدَّيْنَا مَعَهُ؛ رَوْزِ يَوْمِ الشَّكِّ كَمَا مُمْكِنٌ بُوَدَ مِنْهُ مِنْ مَهِينَةِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: يَا سُلْطَانُ رَوْزَةُ كُفْرًا أَمْ رَوْزَةُ إِيمَانٍ؟ رَفْتُمْ وَ سَبَّسْتُمْ بَارَكْسْتُمْ وَ كَفْتُمْ: نَهْ، بَسْ حَضْرَتِ غِذَائِي خَوَاسْتُ وَ هَمْرَاهُ أَوْ غِذَاءُ خَوْرِدِيمِ.^۱

روایت دوم، شیخ کلینی از امام صادق عليه السلام نقل کرده:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْعَبَّاسِ بِالْحَيْرَةِ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۰، ص ۱۳۲، باب ۵۷ - جواز الافطار للتقية والخوف...، ح ۱.

الصَّيَامِ الْيَوْمَ فَقُلْتُ ذَاكَ إِلَى الْإِمَامِ إِنْ صُمْتَ صُمْنَا وَإِنْ أَفْطَرْتَ
 أَفْطَرْنَا...؛ در حیره نزد ابی العباس رستم، گفت: ای اباعبدالله! در
 مورد روزه امروز چه می‌گویی؟ گفتیم: اعلان هلال مربوط به امام
 است. اگر روزه بگیری، روزه می‌گیریم و اگر افطار کنی، افطار
 می‌کنیم...»^۱

اینکه امام فرمود: «ذَاكَ إِلَى الْإِمَامِ» در این ظهور دارد که اعلان
 هلال از تکالیف و وظایف امام و حاکم می‌باشد. این عبارت کبرای
 کلی قضیه است و وجهی ندارد که آن را حمل بر تقیه کنیم. بله
 آن بخش از روایت که می‌فرماید: «إِنْ صُمْتَ صُمْنَا وَإِنْ أَفْطَرْتَ
 أَفْطَرْنَا» قابل حمل بر تقیه است که می‌توانیم بگوییم امام تقیه
 کرده است.

عقل

از جمله دلایلی که ما را ملزم به ارجاع این امر به یک نفر می‌کند،
 این است که اگر قرار باشد هر شخص یا گروهی بر اساس رؤیت
 خویش به وظایف دینی خود عمل نمایند، هرج و مرج در جامعه
 به وجود می‌آید و مسلماً چنین پدیده‌ای مورد تأیید شارع نیست.
 بنابراین لازم است حاکم شرع به عنوان شخص مورد اعتماد شارع
 مقدس این وظیفه را بر عهده گرفته، با اعلام آغاز ماه‌ها بر اساس
 مبانی شرعی، به ویژه در مواردی که وظایف شرعی و واجبات
 مکلفین به آنها بستگی دارد، از بروز هرج و مرج در جامعه جلوگیری
 و نظم آن را حفظ کند.

۱. همان، ص ۱۳۲، باب ۵۷- جواز الافطار التقیه و الخوف...، ح ۵.

۵ و ۴. اجماع و سیره

در این که حکم به ثبوت اول ماه از وظایف حاکم شرع به شمار می‌رود، ادعا شده که اجماع و سیره وجود دارد و به همین دلیل مرحوم شیخ حسن ممقانی اعلی الله مقامه فرموده است:

و یندفع جمیع ذلک بقیام الاجماع و السیره علی اتباع حکم الحاکم بالهلال إذا استند الی البینه و الشیاع...: تمام روایات با قیام اجماع و سیره بر پیروی از حکم حاکم به هلال دفع می‌شود، هنگامی که مستند به شهادت شاهد و شیاع باشد...^۱

به نظر می‌رسد دلایلی که تا اینجا ذکر شد، برای اثبات لزوم پیروی از حکم حاکم شرع در ثبوت رؤیت هلال کافی باشد.

البته الزام به پیروی از حاکم شرع مشروط است به این که مکلف خطای حاکم را در مورد حکم نداند.

برای روشن شدن مطلب مسئله را در پنج حالت مختلف آن بررسی می‌کنیم تا کاملاً واضح شود و:

حالت نخست: حاکم تمام شرایط فتوا دادن را نداشته باشد؛

مثلاً مجتهد نبوده یا عادل نباشد که در حجت نبودن حکم او شکی وجود ندارد، چون در این صورت حکم او طریقت نخواهد داشت.

حالت دوم: مکلف حاکم را در اجتهادی که برای اثبات اول ماه

انجام داده، مقصر بداند و یقین داشته باشد که در این راه کوتاهی

کرده، مثلاً به میزان لازم در حجیت شیاع یا در مقدمات حکم فعلی

و کنونی اجتهاد نکرده باشد. با فرض کوتاهی و تقصیر، حکم او از

۱. عبدالله بن محمد حسن مامقانی؛ منتهی المقاصد؛ ص ۵۲۸.

حجیت ساقط است، چون در این صورت حاکم دارای تمام شرایط از جمله عدالت نخواهد بود.

حالت سوم: حاکم مقصر نباشد ولی قصوراً در اجتهاد شده باشد، باز در این صورت حکم حاکم از اعتبار ساقط است، به دلیل عدم شمول اطلاق ادله و نیز عدم صدق حکم بر اساس حکم ائمه معصومین: که فرمودند: «إِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا»^۲

در هر حال حکم حاکم شرع که طریق و راهی برای ثبوت اول ماه است، در این سه حالت طریق نخواهد بود و به خودی خود موضوعیتی ندارد که کسی توهم کند به دلیل موضوعیت حکم حاکم باید آن را پذیرفت، حتی اگر دارای شرایط صحّت نباشد. حالت چهارم: مکلف بداند حاکم در حکم خود خطا کرده، مثلاً حکم کند که روز جمعه اول ماه شوال است، در حالی که از راهی دیگریقین داشته باشیم که روز جمعه ماه رمضان است، در این صورت جایز نیست با تکیه بر حکم حاکم روزه خود را افطار کنیم، چون طریقت آن لغو شده، همین طور است اگر یقین داشته باشیم شاهدهی که نزد حاکم شرع به رؤیت هلال گواهی داده، فاسق است ولی حاکم با اجتهاد خویش او را عادل بداند.

تصور کنید که شاهدهی شهادت می دهد. پارچه ای پاک است در حالی که یقین داشته باشید، نجس است و یا یقین داشته باشید

۱. فرق قصور و تقصیر: تقصیر یعنی مجتهد رأیی بر خلاف اجتهادش بدهد؛ قصور: بدون عمد در اجتهادش به خطا برود.

۲. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص ۱۳۷، باب ۱۱، وجوب الرجوع فی القضاء...، ح ۱.

که شاهد، عادل نیست یا دروغگو است، در این صورت آیا می‌توانید پارچه را پاک بدانید؟

حالت پنجم: اجتهاد حاکم با تمام مقدماتش برخلاف اجتهاد دیگری باشد، چه در موضوع با هم اختلاف داشته باشند، مثل این که یکی به عدالت کسانی که شهادت به رؤیت هلال داده‌اند اعتقاد داشته باشد و دیگری عدالت ایشان را نپذیرفته باشد. نیز چه در حکم با هم اختلاف نظر داشته باشند، مثل این که یکی از ایشان حجیت شیاع را قبول داشته باشد و دیگرای آن را حجت نداند و یا یکی قائل به شرط بودن اتحاد افق باشد و دیگری آن را شرط نداند و یا یکی معتقد باشد که رؤیت هلال با ابزار جایز است و دیگری معتقد باشد که رؤیت هلال تنها در صورتی حجت است که با چشم غیر مسلح انجام پذیرد.

در این فرض ظاهراً حکم مجتهد نخست حجیت نخواهد داشت چنانکه صاحب عروة رحمته الله علیه در فصل طرق ثبوت هلال فرموده:

لا يختص اعتبار حکم الحاكم بمقلديه بل هونافذ بالنسبة إلى الحاكم الآخر أيضاً إذا لم يثبت عنده خلافه؛ اعتبار حکم حاکم به کسانی که از او تقلید می‌کنند اختصاص ندارد، بلکه نسبت به حاکم دیگر نیز نافذ است، اگر خلاف آن نزد او ثابت نشده باشد.

اگرچه ظهور کلام ایشان در ملحقات عروة برخلاف این برداشت است.

جمع بندی

از آنچه تا کنون بیان شد می توان چند مسئله را نتیجه گیری کرد که در این بخش بیان می شود.

مسئله اول: حکم حاکم برای آغاز ماه قمری موضوعیت نداشته و تنها طریقت دارد. به این معنا که این حکم راهی برای اعلان ثابت شدن ماه قمری از راه های چهارگانه تعیین شده شرعی است. مسئله دوم: حکم حاکم با چهار شرط. برای مکلفین چه مقلد او باشند و چه نباشند. کافی و نافذ است:

جامع شرایط فتوا بودن حاکم یعنی مجتهد و عادل باشد؛

مستند بودن حکم او به ادله شرعی چهارگانه ثبوت هلال؛

معلوم شود حاکم شرع در به دست آوردن حکم مقصر نبوده و کوتاهی نکرده و یا در آن خطایی رخ نداده باشد، چه در اجتهادی که انجام داده و چه در احراز شرایط حکمی که صادر کرده است. اجتهاد حاکم شرع در حکمی که صادر کرده با اجتهاد مجتهدی که وظیفه مکلف تقلید از اوست، اختلاف نداشته باشد.

مسئله سوم: بر اساس شرط چهارم، در صورت وجود اختلاف در اجتهاد حاکم شرع و مجتهدی دیگر، حکم حاکم برای مکلفی که اجتهاد و فتوای مجتهدش با نظر حاکم اختلاف دارد، نافذ نیست، چه این اختلاف در اجتهاد در موضوع باشد، مثل این که حاکم کسانی را که برایش شهادت داده اند، عادل بداند و مجتهدی که مکلف وظیفه تقلید از او را دارد آنان را عادل نداند و چه اختلاف ایشان در شرایط رؤیت هلال باشد، مثل این که حکم حاکم مبنی بر رؤیت هلال با چشم مسلح و ابزار نجومی و یا شرط ندانستن اتحاد

افق باشد و مرجع تقلید مکلف، رؤیت هلال را با چشم مسلح و یا در شهرهایی که با شهر مکلف هم افق نیستند، برای آغاز ماه قمری کافی نداند.

رؤیت هلال با ابزار نجومی

نکته‌ای باقی ماند که باید بررسی شود و آن عبارت است از کفایت رؤیت هلال با چشم مسلح در ثبوت اول ماه. رؤیت هلال با چشم مسلح برای ثابت شدن اول ماه کافی نیست. اگر هلال فقط با چشم مسلح رؤیت شود و با هیچ یک از دیگر راه‌های شرعی ثابت نشود، نمی‌توان حکم به اول ماه نمود.

دلایل مطلب:

اول، عبارات ادله تماماً ناظر بر رؤیت با چشم عادی و غیر مسلح هستند. یعنی رؤیتی که برای همه در تمام نقاط زمین امکان پذیر باشد. امام باقر علیه السلام در صحیحته محمد بن مسلم فرمود:

هرگاه هلال را دیدید، روزه بگیرید و هر وقت که آن را دیدید، افطار کنید. ثبوت آغاز و پایان ماه با رأی و گمانه زنی نیست، بلکه با رؤیت است.

رؤیت این‌گونه نیست که ده نفر استهلال کنند و یکی بگوید: «آن جاست، همان است!» ولی نه نفر دیگر نگاه کنند و نبینند! بلکه وقتی یک نفر آن را ببیند، ده هزار نفر هم خواهند دید.^۱

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۰، ص ۲۸۹، باب ۱۱ از ابواب احکام ماه رمضان، ح ۱۱.

هم چنین در روایتی با سند صحیح از یونس بن عبدالرحمن از ابی ایوب الخرزازی روایت شده که به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

چند نفر شاهد برای رؤیت هلال کافی است؟ حضرت فرمود: ماه رمضان فریضه‌ای از فرایض الهی است، پس با گمانه زنی آن را به جا نیاورید. رؤیت هلال این‌گونه نیست که عده‌ای استهلال کنند و یکی بگوید: آن را دیدم و دیگران بگویند: ندیدیم. هرگاه یک نفر رؤیت کند، صد نفر خواهند دید و هر وقت صد نفر رؤیت کنند، هزار نفر هم خواهند دید. اگر در هوا مانعی نباشد، شهادت کم‌تر از پنجاه نفر کافی نیست. اگر در آسمان مانع باشد، شهادت دو مرد که به شهر رفت و آمد می‌کنند، پذیرفته می‌شود.^۱

روایات دیگری که هم معنای این دو حدیث هستند و سند صحیح دارند، کم نیست و از این‌گونه روایات استفاده می‌شود که رؤیت هلال با چشم عادی ملاک است. اگر رؤیت با چشم مسلح را ملاک بدانیم، اطلاع از اول ماه مخصوص عده معدودی خواهد شد، در حالی که ماه باید برای همه قابل رؤیت باشد نه اینکه در انحصار عده خاصی قرار بگیرد.

دوم، حرکت ماه و تغییر شکل‌های آن در شب‌های مختلف و رؤیت آن، برای میقات و تعیین وقت و استفاده از آنها در معاملات و احتیاجات بشر خلق شده، خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

۱. همان، ص ۲۸۹، باب ۱۱ از ابواب احکام ماه رمضان، ح ۱۰؛ محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۶۰.

«ای پیامبر! از تو درباره اهله و اول ماه‌ها می‌پرسند، بگو آنها برای تعیین وقت برای مردم و اعمال حج است.»^۱ این معنا بدست نمی‌آید مگر با درک چشم عادی که برای همه مردم ممکن است. اگر بگوییم که اول ماه با چشم مسلح محقق می‌شود، باید بگوییم حدود چهارده قرن مسلمانان در اکثر زمان‌ها و مناطق، لیلَةُ القدر و عید فطر و عید قربان و ادعیه و اعمالی را که برای روزها و شب‌های مخصوص وارد شده، در زمان خود درک نکرده‌اند، مگر در موارد نادر، چون رؤیت با چشم مسلح اغلب یک روز پیش امکان پذیر است. سوم، اگر مطلب چنین بود چرا پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام به رؤیت اکتفا می‌کردند در حالی که ماه اکثراً یک روز قبل متولد می‌شده و نمی‌شود گفت که حضرات علیهم‌السلام این مطلب را نمی‌دانسته‌اند، پس معلوم می‌شود که همه به رؤیت با چشم عادی مکلف هستند.

چهارم، زمان اعمال حج - عرفه، مشعر، قربانی در منی و رمی جمرات - همه مربوط به هلال عادی هستند و وقایع تاریخی آنها بر اساس رؤیت هلال با چشم غیر مسلح ثبت شده است. یعنی حضرت ابراهیم علیه‌السلام در دهم ماه ذی حجه در منی که می‌خواست اسماعیل را ذبح کند، همان روز دهمی بوده که ماه با چشم غیر مسلح دیده شده بود.

به بیان دیگر باید پرسید: آیا این رخداد تاریخی در روز دهم از تولد هلال بوده - که با چشم مسلح قابل رؤیت است و با چشم غیر مسلح نمی‌توان آن را دید - یا روز دهم از زمان‌که هلال قابل رؤیت

۱. بقره: ۱۸۹.

با چشم غیر مسلح بوده؟ همین طور عید فطر، روز عاشورا، نیمه شعبان و ...

مسلم است که تمام رخداد‌های تاریخی در دهمین روز از زمان قابل رؤیت بودن ماه با چشم غیر مسلح رخ داده‌اند.

پنجم، اگر بخواهیم برای ثبوت هلال ماه راه‌های غیر عادی را ملاک قرار دهیم، باید در تطهیر نجاست از بدن و لباس، حدّ ترخص، طلوع فجر و طلوع و غروب آفتاب و... هم آنها را لحاظ کنیم، در حالی که این مطلب مورد قبول علما نیست، مثلاً در تطهیر خون همه گفته‌اند: در صورت زوال عین خون، اگرچه رنگ آن باقی بماند، پاک است. در صورتی که اگر به آن محل با میکروسکوپ نگاه کنیم، هنوز ذرات خون باقی هستند. هم چنین اگر بهره‌مندی از راه‌های غیر عادی و استفاده از وسائل مدرن را ملاک قرار دهیم، در حد ترخص، شهر را از فاصله‌های دور با دوربین‌های قوی می‌توان دید و صدای اذان را با ابزار صوتی می‌توان شنید و...

ائمه اطهار علیهم‌السلام هم به این موضوع اشاره فرموده، نهی از استفاده از راه‌های غیر متعارف در اخبار و روایات حضرات وارد شده است. چنانکه در روایات متعددی می‌خوانیم که امام صادق علیه‌السلام کسی را که برای اطمینان از غروب خورشید به بالای کوه رفته بود، توبیخ و از این کار منع کرد.^۱

بنابراین با تمام احترامی که برای رأی و نظر دیگر مجتهدان قائل هستیم، می‌گوییم در تعیین اول ماه قمری رؤیت با چشم مسلح

۱. محمد بن حسن حرعاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۳، باب ۲۵ از ابواب المواقیب؛ محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۱، ص ۱۴۵ و ص ۲۱۱.

کافی نیست، بلکه هلال باید با چشم غیر مسلح رؤیت شود. در مورد دیگر راه‌های ثبوت اول ماه مثل شهادت عده‌ای از مردم که موجب یقین شود و شهادت دو نفر عادل و... هم، رؤیت غیر مسلح باید ملاک شهادت قرار گیرد.

والسلام علیکم وعلی عبادالله الصالحین

شوال المکرم ۱۴۲۵ هجری قمری

استفتائات رؤیت هلال ماه

• آیا رؤیت هلال ماه خصوصاً در ماه مبارک رمضان با چشم مسلح معتبر است یا باید با چشم غیر مسلح دیده شود؟
 جواب: با چشم مسلح اعتباری ندارد.

• با عنایت به این که فتوای حضرتعالی رؤیت با چشم غیر مسلح برای تعیین اول و آخر ماه می باشد، رسانه های جمعی نظر حاکم شرع که رؤیت را با چشم مسلح حتی با استفاده از هلیکوپتر در آسمان جهت رؤیت ماه جایز می دانند، را اعلام می نمایند و مردم بنا بر اعلام رسانه ملی عمل می کنند. تکلیف مقلدان جنابعالی و یا دیگر مقلدان مراجعی که هم فتوای جنابعالی هستند چیست؟

جواب: مسئله اختلافی است. مشهور بین اعلام این است که باید با چشم غیر مسلح دید. اگر با استناد به رسانه ها افطار نمایند، باید قضا کنند.

• اگر هلال ماه در شهری دیده شود، آیا در همه شهرهایی که در افق مشترک هستند، ثابت می شود؟ در مناطق غربی یا شرقی محل رؤیت چگونه؟

جواب: در شهرهای غربی ثابت می شود ولی در شهرهایی که در شرق منطقه رؤیت هلال هستند، ثابت نمی شود مگر اینکه تفاوت افق آنها کم باشد مثلاً یک ربع ساعت و کمتر.

• در سال گذشته به دلیل مسافرتی که در آخر ماه رمضان داشتم

و هلال ماه شوال زودتر دیده شد، بیست و هشت روز از ماه
رمضان را درک کردم و روزه گرفتم، آیا واجب است یک یا دو

روز، روزه را قضا کنم؟

جواب: بلی واجب است.

ضمیمه

براساس آنچه در کتاب «نقش افق در ثبوت هلال» ماه تبیین شد، ضابطه علمی در تعیین شهرهایی که افق نزدیک به هم دارند، این است که: زمان ماندن ماه در افق شهر مبدأ، بیش از مقدار اختلاف بین غروب دو شهر باشد.

توضیح:

وقتی ماه در شهری رؤیت شد، زمانی طول میکشد تا غروب کند و به خط افق برسد. میدانیم که قبلاً یعنی پیش از غروب خورشید، همین مدت زمان را برای فاصله گرفتن از خورشید (اجتماع) لازم داشته است. از دانستن مدت زمان ماندن هلال در افق شهر مذکور روشن میشود که هلال همین مدت، پیش از غروب خورشید آن شهر، از اجتماع خارج شده است.

بنابراین، در محدوده میان شهری که هلال در آن رؤیت شده و نقاطی که غروب خورشید آنها به میزان مدت ماندن هلال در افق شهر مذکور است، میتوان حکم به امکان رؤیت هلال و ثبوت اول ماه در آن محدوده کرد.

یعنی ماه در محدوده مذکور از اجتماع خارج شده و قابل رؤیت بوده که دلیل دیده نشدن آن، مانعی عارضی است و اگر آن مانع نبود، ماه در آن نقاط هم دیده میشد و امکان دیده شدن آن وجود داشته است.

بنابراینچه بیان شد و با توجه به اختلاف زمان غروب آفتاب در

ماه‌های مختلف، روشن میشود که نزدیک بودن افقها امری نسبی است که با تفاوت ماهها و فصلها تغییر میکند.

البته میزان زاویه هلال نسبت به استوای سماوی نیز شرط دیگر دیده شدن هلال در نقاط مختلف است و به همین دلیل لازم است، علاوه بر ملاک تفاوت افق که بیان شد، فاصله عرض شهرهای مورد نظر نیز به هم نزدیک باشد که درباره ایران کشورهای خاورمیانه از نظر عرضی دارای این شرط هستند و داشتن شرط نزدیکی افق که در این بخش تبیین شده، کافی است.

نتیجه اینکه، برای دانستن «نزدیک بودن افق دو شهر در روز رؤیت هلال» باید مراحل زیر طی شود:

اولاً؛ اختلاف افق شهرهای مورد نظر را در شب رؤیت هلال مشخص شود، چون میدانیم که این اختلاف افق هر روز با روز دیگر متفاوت است.

ثانیاً؛ زمان ماندن هلال (مدت مکث هلال) در افق شهری که ماه در آن رؤیت شده، محاسبه شود؛ چون این مدت هم در ماههای مختلف، متفاوت است.

ثالثاً؛ اختلاف افق دو شهر با زمان ماندن ماه در افق شهر مبدأ مقایسه شود.

اگر زمان ماندن هلال در افق شهری که ماه در آن رؤیت شده، بیش از مقدار اختلاف افق دو شهر بود، آن دو شهر دارای افق نزدیک به هم خواهند بود و اول ماه در شهر دوم هم ثابت میشود. در غیر این صورت، افق آنها به هم نزدیک نیست و اول ماه ثابت نمیشود.

برای سهولت کار خوانندگان محترم، در این بخش ساعت

غروب آفتاب چند شهر ایران و چند مرکز کشور در خاورمیانه و میزان اختلاف آنها با ساعت غروب آفتاب تهران، ارائه شده است. ترتیب شهرها براساس طول جغرافیایی آنها از شرق به غرب است. تذکرهاى لازم برای استفاده از جدولها:

نخست؛ زمانهای ذکر شده چه برای شهرهای ایران و چه شهرهای خارجی برای نیمه اول سال براساس ساعت رسمی تابستانی و برای نیمه دوم سال براساس ساعت رسمی زمستانی ایران هستند. دوم؛ زمان ذکر شده برای غروب آفتاب در این بخش، برابر است با زمان ناپدید شدن قرص خورشید، نه زمان اذان مغرب که مطابق با ذهاب حُمرة مشرقیه است.

سوم؛ در ستون اختلاف زمان غروب شهرها با تهران، نشانه «-» به معنای قبل از غروب تهران و نشانه «+» به معنای بعد از غروب تهران است.

میرجاوه

۳۳' ۰۱' ۲۹° شمالی و ۲۲' ۲۷' ۶۱° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۸۳۸ متر		
برج	غروب آفتاب	فاصله با تهران
فروردین	۱۸/۳۶'	-۰/۴۰'
اردیبهشت	۱۸/۵۴'	-۰/۴۸'
خرداد	۱۹/۱۲'	-۰/۵۵'
تیر	۱۹/۲۶'	-۰/۵۷'
مرداد	۱۹/۲۲'	-۰/۵۴'
شهریور	۱۸/۵۷'	-۰/۴۸'
مهر	۱۷/۲۱'	-۰/۴۰'
آبان	۱۶/۴۷'	-۰/۳۳'
آذر	۱۶/۲۷'	-۰/۲۷'
دی	۱۶/۳۱'	-۰/۲۴'
بهمن	۱۶/۵۳'	-۰/۲۶'
اسفند	۱۷/۱۷'	-۰/۳۳'

سرخس

ارتفاع از سطح دریا: ۲۸۱ متر ۳۲° ۳۶' شمالی و ۶۱° ۰۹' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۳۹'	۱۸/۳۷'	فروردین
-۰/۳۸'	۱۹/۰۴'	اردیبهشت
-۰/۳۷'	۱۹/۳۰'	خرداد
-۰/۳۶'	۱۹/۴۷'	تیر
-۰/۳۷'	۱۹/۳۹'	مرداد
-۰/۳۸	۱۹/۰۷'	شهریور
-۰/۳۹'	۱۷/۲۲'	مهر
-۰/۴۰'	۱۶/۴۰'	آبان
-۰/۴۱'	۱۶/۱۳'	آذر
-۰/۴۲'	۱۶/۱۳'	دی
-۰/۴۱'	۱۶/۳۸'	بهمن
-۰/۴۰'	۱۷/۱۰'	اسفند

زاهدان

۴۷° ۲۹' شمالی و ۶۰° ۵۱' شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۸۵ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۳۸'	۱۸/۳۸'	فروردین
-۰/۴۵'	۱۸/۵۷'	اردیبهشت
-۰/۵۱'	۱۹/۱۶'	خرداد
-۰/۵۳'	۱۹/۳۰'	تیر
-۰/۵۱'	۱۹/۲۵'	مرداد
-۰/۴۵'	۱۹/۰۰'	شهریور
-۰/۳۸'	۱۷/۲۳'	مهر
-۰/۳۱'	۱۶/۴۹'	آبان
-۰/۲۵'	۱۶/۲۹'	آذر
-۰/۲۳'	۱۶/۳۲'	دی
-۰/۲۵'	۱۶/۵۴'	بهمن
-۰/۳۱'	۱۷/۱۹'	اسفند

مشهد مقدس

۱۱' ۳۶° شمالی و ۲۲' ۵۹° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۰۵۰ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۳۲'	۱۸/۴۴'	فروردین
-۰/۳۲'	۱۹/۱۰'	اردیبهشت
-۰/۳۱'	۱۹/۳۶'	خرداد
-۰/۳۱'	۱۹/۵۲'	تیر
-۰/۳۱'	۱۹/۴۵'	مرداد
-۰/۳۲'	۱۹/۱۳'	شهریور
-۰/۳۳'	۱۷/۲۸'	مهر
-۰/۳۴'	۱۶/۴۶'	آبان
-۰/۳۴'	۱۶/۲۰'	آذر
-۰/۳۵'	۱۶/۲۰'	دی
-۰/۳۴'	۱۶/۴۵'	بهمن
-۰/۳۳'	۱۷/۱۷'	اسفند

کرمان

۱۷° ۳۰' شمالی و ۰۴' ۵۷° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۵۶ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۲۳'	۱۸/۵۳'	فروردین
-۰/۲۹'	۱۹/۱۳'	اردیبهشت
-۰/۳۴'	۱۹/۳۳'	خرداد
-۰/۳۶'	۱۹/۴۷'	تیر
-۰/۳۴'	۱۹/۴۲'	مرداد
-۰/۲۹'	۱۹/۱۶'	شهریور
-۰/۲۳'	۱۷/۳۸'	مهر
-۰/۱۷'	۱۷/۰۳'	آبان
-۰/۱۱'	۱۶/۴۳'	آذر
-۰/۰۹'	۱۶/۴۶'	دی
-۰/۱۱'	۱۷/۰۸'	بهمن
-۰/۱۷'	۱۷/۳۳'	اسفند

بندر عباس

۱۱' ۲۷° شمالی و ۱۶' ۵۶° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۲۰ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۲۰'	۱۸/۵۶'	فروردین
-۰/۳۰'	۱۹/۱۲'	اردیبهشت
-۰/۳۷'	۱۹/۳۰'	خرداد
-۰/۴۱'	۱۹/۴۲'	تیر
-۰/۳۷'	۱۹/۳۹'	مرداد
-۰/۲۹'	۱۹/۱۶'	شهریور
-۰/۲۰'	۱۷/۴۱'	مهر
-۰/۱۰'	۱۷/۱۰'	آبان
-۰/۰۲'	۱۶/۵۲'	آذر
+۰/۰۱'	۱۶/۵۶'	دی
-۰/۰۲'	۱۷/۱۷'	بهمن
-۰/۱۴'	۱۷/۳۹'	اسفند

گرگان

۰' ۵۰° شمالی و ۲۹' ۵۴° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۵ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۱۲'	۱۹/۰۴'	فروردین
-۰/۱۱'	۱۹/۳۱'	اردیبهشت
-۰/۰۹'	۱۹/۵۸'	خرداد
-۰/۰۸'	۲۰/۱۵'	تیر
-۰/۰۹'	۲۰/۰۷'	مرداد
-۰/۱۱'	۱۹/۳۴'	شهریور
-۰/۱۲'	۱۷/۴۹'	مهر
-۰/۱۴'	۱۷/۰۶'	آبان
-۰/۱۵'	۱۶/۳۹'	آذر
-۰/۱۶'	۱۶/۳۹'	دی
-۰/۱۴'	۱۷/۰۵'	بهمن
-۰/۱۳'	۱۷/۳۷'	اسفند

یزد

ارتفاع از سطح دریا: ۱۲۳۰ متر ۳۱° ۵۳' شمالی و ۵۴° ۲۲' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۱۲'	۱۹/۰۴'	فروردین
-۰/۱۷'	۱۹/۲۵'	اردیبهشت
-۰/۲۰'	۱۹/۴۷'	خرداد
-۰/۲۲'	۲۰/۰۱'	تیر
-۰/۲۰'	۱۹/۵۶'	مرداد
-۰/۱۷'	۱۹/۲۸'	شهریور
-۰/۱۲'	۱۷/۴۹'	مهر
-۰/۰۸'	۱۷/۱۲'	آبان
-۰/۰۴'	۱۶/۵۰'	آذر
-۰/۰۲'	۱۶/۵۳'	دی
-۰/۰۳'	۱۷/۱۶'	بهمن
-۰/۰۸'	۱۷/۴۲'	اسفند

سمنان

۲۰' ۳۵° شمالی و ۱۴' ۵۳° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۱۳۰ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۰۸'	۱۹/۰۸'	فروردین
-۰/۰۸'	۱۹/۳۴'	اردیبهشت
-۰/۰۸'	۱۹/۵۹'	خرداد
-۰/۰۸'	۲۰/۱۵'	تیر
-۰/۰۸'	۲۰/۰۸'	مرداد
-۰/۰۸'	۱۹/۳۷'	شهریور
-۰/۰۸'	۱۷/۵۳'	مهر
-۰/۰۸'	۱۷/۱۲'	آبان
-۰/۰۸'	۱۶/۴۶'	آذر
-۰/۰۸'	۱۶/۴۷'	دی
-۰/۰۷'	۱۷/۱۲'	بهمن
-۰/۰۸'	۱۷/۴۲'	اسفند

ساری

ارتفاع از سطح دریا: ۳۲ متر ۳۳' ۳۶° شمالی و ۰۳' ۵۳° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۰۶'	۱۹/۱۰'	فروردین
-۰/۰۵'	۱۹/۳۷'	اردیبهشت
-۰/۰۴'	۲۰/۰۳'	خرداد
-۰/۰۴'	۲۰/۱۹'	تیر
-۰/۰۴'	۲۰/۱۲'	مرداد
-۰/۰۵'	۱۹/۴۰'	شهریور
-۰/۰۶'	۱۷/۵۵'	مهر
-۰/۰۸'	۱۷/۱۲'	آبان
-۰/۰۹'	۱۶/۴۵'	آذر
-۰/۰۹'	۱۶/۴۶'	دی
-۰/۰۸'	۱۷/۱۱'	بهمن
-۰/۰۸'	۱۷/۴۲'	اسفند

شیراز

ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۸۶ متر ۲۹° ۳۷' شمالی و ۵۲° ۳۲' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۰۵'	۱۹/۱۱'	فروردین
-۰/۱۲'	۱۹/۳۰'	اردیبهشت
-۰/۱۸'	۱۹/۴۹'	خرداد
-۰/۲۰'	۲۰/۰۳'	تیر
-۰/۱۷'	۱۹/۵۹'	مرداد
-۰/۱۲'	۱۹/۳۳'	شهریور
-۰/۰۵'	۱۷/۵۶'	مهر
+۰/۰۲'	۱۷/۲۲'	آبان
+۰/۰۸'	۱۷/۰۲'	آذر
+۰/۱۰'	۱۷/۰۵'	دی
+۰/۰۸'	۱۷/۲۷'	بهمن
+۰/۰۲'	۱۷/۵۲'	اسفند

اصفهان

اصفهان		
ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۷۰ متر		
۳۸° ۳۲' شمالی و ۵۱° ۳۹' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۰۱'	۱۹/۱۵'	فروردین
-۰/۰۵'	۱۹/۳۷'	اردیبهشت
-۰/۰۸'	۱۹/۵۹'	خرداد
-۰/۰۹'	۲۰/۱۴'	تیر
-۰/۰۸'	۲۰/۰۸'	مرداد
-۰/۰۵'	۱۹/۴۰'	شهریور
-۰/۰۱'	۱۸/۰۰'	مهر
+۰/۰۲'	۱۷/۲۲'	آبان
+۰/۰۵'	۱۶/۵۹'	آذر
+۰/۰۷'	۱۷/۰۲'	دی
+۰/۰۶'	۱۷/۲۵'	بهمن
+۰/۰۲'	۱۷/۵۲'	اسفند

تهران

ارتفاع از سطح دریا: ۱۱۹۰ متر ۴۲' ۳۵° شمالی و ۲۴' ۵۱° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
---	۱۹/۱۶'	فروردین
---	۱۹/۴۲'	اردیبهشت
---	۲۰/۰۷'	خرداد
---	۲۰/۲۳'	تیر
---	۲۰/۱۶'	مرداد
---	۱۹/۴۵'	شهریور
---	۱۸/۰۱'	مهر
---	۱۷/۲۰'	آبان
---	۱۶/۵۴'	آذر
---	۱۶/۵۵'	دی
---	۱۷/۱۹'	بهمن
---	۱۷/۵۰'	اسفند

شهر مقدس قم

ارتفاع از سطح دریا: ۹۳۰ متر ۴۰° ۳۴' شمالی و ۵۳° ۵۰' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۲'	۱۹/۱۸'	فروردین
+۰/۰۱'	۱۹/۴۳'	اردیبهشت
همزمان	۲۰/۰۷'	خرداد
همزمان	۲۰/۲۳'	تیر
همزمان	۲۰/۱۶'	مرداد
+۰/۰۱'	۱۹/۴۶'	شهریور
+۰/۰۲'	۱۸/۰۳'	مهر
+۰/۰۳'	۱۷/۲۳'	آبان
+۰/۰۴'	۱۶/۵۸'	آذر
+۰/۰۵'	۱۷/۰۰'	دی
+۰/۰۵'	۱۷/۲۴'	بهمن
+۰/۰۳'	۱۷/۵۳'	اسفند

شهر کرد

۱۹° ۳۲' شمالی و ۵۱° ۵۰' شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۲۰۶۰ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۲'	۱۹/۱۸'	فروردین
+۰/۰۲'	۱۹/۴۰'	اردیبهشت
-۰/۰۵'	۲۰/۰۲'	خرداد
-۰/۰۶'	۲۰/۱۷'	تیر
-۰/۰۵'	۲۰/۱۱'	مرداد
-۰/۰۲'	۱۹/۴۳'	شهریور
+۰/۰۲'	۱۸/۰۳'	مهر
+۰/۰۶'	۱۷/۲۶'	آبان
+۰/۰۹'	۱۷/۰۳'	آذر
+۰/۱۱'	۱۷/۰۶'	دی
+۰/۱۰'	۱۷/۲۹'	بهمن
+۰/۰۶'	۱۷/۵۶'	اسفند

بندر بوشهر

ارتفاع از سطح دریا: ۴۰ متر ۵۷' ۲۸° شمالی و ۵۰' ۵۰° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۲'	۱۹/۱۸'	فروردین
-۰/۰۶'	۱۹/۳۶'	اردیبهشت
-۰/۱۲'	۱۹/۵۵'	خرداد
-۰/۱۵'	۲۰/۰۸'	تیر
-۰/۱۲'	۲۰/۰۴'	مرداد
-۰/۰۶'	۱۹/۳۹'	شهریور
+۰/۰۲'	۱۸/۰۳'	مهر
+۰/۱۰'	۱۷/۳۰'	آبان
+۰/۱۶'	۱۷/۱۰'	آذر
+۰/۱۹'	۱۷/۱۴'	دی
+۰/۱۶'	۱۷/۳۵'	بهمن
+۰/۰۹'	۱۷/۵۹'	اسفند

قزوین

ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۴۷ متر ۱۰' ۳۶° شمالی و ۰۰' ۵۰° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۶'	۱۹/۲۲'	فروردین
+۰/۰۶'	۱۹/۴۸'	اردیبهشت
+۰/۰۷'	۲۰/۱۴'	خرداد
+۰/۰۸'	۲۰/۳۱'	تیر
+۰/۰۷'	۲۰/۲۳'	مرداد
+۰/۰۶'	۱۹/۵۱'	شهریور
+۰/۰۶'	۱۸/۰۷'	مهر
+۰/۰۵'	۱۷/۲۵'	آبان
+۰/۰۴'	۱۶/۵۸'	آذر
+۰/۰۴'	۱۶/۵۹'	دی
+۰/۰۵'	۱۷/۲۴'	بهمن
+۰/۰۵'	۱۷/۵۵'	اسفند

اراک

ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۴۳ متر ۳۴° ۰۵' شمالی و ۴۲° ۴۹' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۷'	۱۹/۲۳'	فروردین
+۰/۰۵'	۱۹/۴۷'	اردیبهشت
+۰/۰۳'	۲۰/۱۰'	خرداد
+۰/۰۳'	۲۰/۲۶'	تیر
+۰/۰۳'	۲۰/۱۹'	مرداد
+۰/۰۵'	۱۹/۵۰'	شهریور
+۰/۰۷'	۱۸/۰۸'	مهر
+۰/۰۹'	۱۷/۲۹'	آبان
+۰/۱۰	۱۷/۰۴'	آذر
+۰/۱۱'	۱۷/۰۶'	دی
+۰/۱۱'	۱۷/۳۰'	بهمن
+۰/۰۹'	۱۷/۵۹'	اسفند

رشت

۱۶' ۳۷° شمالی و ۳۵' ۴۹° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۷ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۸'	۱۹/۲۴'	فروردین
+۰/۱۰'	۱۹/۵۲'	اردیبهشت
+۰/۱۲'	۲۰/۱۹'	خرداد
+۰/۱۲'	۲۰/۳۵'	تیر
+۰/۱۱'	۲۰/۲۷'	مرداد
+۰/۰۹'	۱۹/۵۴'	شهریور
+۰/۰۷'	۱۸/۰۸'	مهر
+۰/۰۵'	۱۷/۲۵'	آبان
+۰/۰۴'	۱۶/۵۸'	آذر
+۰/۰۳'	۱۶/۵۸'	دی
+۰/۰۴'	۱۷/۲۳'	بهمن
+۰/۰۶'	۱۷/۵۶'	اسفند

همدان

ارتفاع از سطح دریا: ۱۷۴۱ متر ۴۸' ۳۴° شمالی و ۴۸' ۳۱° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۲'	۱۹/۲۸'	فروردین
+۰/۱۰'	۱۹/۵۲'	اردیبهشت
+۰/۱۰'	۲۰/۱۷'	خرداد
+۰/۱۰'	۲۰/۳۳'	تیر
+۰/۱۰'	۲۰/۲۶'	مرداد
+۰/۱۰'	۱۹/۵۵'	شهریور
+۰/۱۲'	۱۸/۱۳'	مهر
+۰/۱۳'	۱۷/۳۳'	آبان
+۰/۱۳'	۱۷/۰۷'	آذر
+۰/۱۴'	۱۷/۰۹'	دی
+۰/۱۴'	۱۷/۳۳'	بهمن
+۰/۱۳'	۱۸/۰۳'	اسفند

زنجان

ارتفاع از سطح دریا: ۱۶۶۳ متر ۳۹' ۳۶° شمالی و ۴۸' ۲۹° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۲'	۱۹/۲۸'	فروردین
+۰/۱۳'	۱۹/۵۵'	اردیبهشت
+۰/۱۴'	۲۰/۲۱'	خرداد
+۰/۱۵'	۲۰/۳۸'	تیر
+۰/۱۴'	۲۰/۳۰'	مرداد
+۰/۱۳'	۱۹/۵۸'	شهریور
+۰/۱۲'	۱۸/۱۳'	مهر
+۰/۱۰'	۱۷/۳۰'	آبان
+۰/۰۹'	۱۷/۰۳'	آذر
+۰/۰۹'	۱۷/۰۴'	دی
+۰/۱۰'	۱۷/۲۹'	بهمن
+۰/۱۱'	۱۸/۰۱'	اسفند

اهواز

۱۲' ۳۱° شمالی و ۲۴' ۴۸° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۲ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۱'	۱۹/۲۷'	فروردین
+۰/۰۵'	۱۹/۴۷'	اردیبهشت
+۰/۰۱'	۲۰/۰۸'	خرداد
همزمان	۲۰/۲۳'	تیر
+۰/۰۱'	۲۰/۱۷'	مرداد
+۰/۰۵'	۱۹/۵۰'	شهریور
+۰/۱۱'	۱۸/۱۲'	مهر
+۰/۱۶'	۱۷/۳۶'	آبان
+۰/۲۰'	۱۷/۱۴'	آذر
+۰/۲۲'	۱۷/۱۷'	دی
+۰/۲۰'	۱۷/۳۹'	بهمن
+۰/۱۶'	۱۸/۰۶'	اسفند

خرم آباد

۲۹' ۳۳° شمالی و ۲۱' ۴۸° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۱۴۷ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۲'	۱۹/۲۸'	فروردین
+۰/۰۹'	۱۹/۵۱'	اردیبهشت
+۰/۰۷'	۲۰/۱۴'	خرداد
+۰/۰۷'	۲۰/۳۰'	تیر
+۰/۰۷'	۲۰/۲۳'	مرداد
+۰/۰۹'	۱۹/۵۴'	شهریور
+۰/۱۲'	۱۸/۱۳'	مهر
+۰/۱۵'	۱۷/۳۵'	آبان
+۰/۱۷'	۱۷/۱۱'	آذر
+۰/۱۸'	۱۷/۱۳'	دی
+۰/۱۷'	۱۷/۳۶'	بهمن
+۰/۱۵'	۱۸/۰۵'	اسفند

اردبیل

۱۵' ۳۸° شمالی و ۱۸' ۴۸° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۵۰ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۳'	۱۹/۲۹'	فروردین
+۰/۱۶'	۱۹/۵۸'	اردیبهشت
+۰/۱۹'	۲۰/۲۶'	خرداد
+۰/۲۱'	۲۰/۴۴'	تیر
+۰/۱۹'	۲۰/۳۵'	مرداد
+۰/۱۶'	۲۰/۰۱'	شهریور
+۰/۱۳'	۱۸/۱۴'	مهر
+۰/۰۹'	۱۷/۲۹'	آبان
+۰/۰۶'	۱۷/۰۰'	آذر
+۰/۰۵'	۱۷/۰۰'	دی
+۰/۰۷'	۱۷/۲۶'	بهمن
+۰/۰۹'	۱۷/۵۹'	اسفند

اروندکنار

۳' ۰۰° شمالی و ۰۷' ۰۰° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۲ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۲'	۱۹/۲۸'	فروردین
+۰/۰۴'	۱۹/۴۶'	اردیبهشت
-۰/۰۱'	۲۰/۰۶'	خرداد
-۰/۰۳'	۲۰/۲۰'	تیر
-۰/۰۱'	۲۰/۱۵'	مرداد
+۰/۰۵'	۱۹/۵۰'	شهریور
+۰/۱۱'	۱۸/۱۲'	مهر
+۰/۱۸'	۱۷/۳۸'	آبان
+۰/۲۳'	۱۷/۱۷'	آذر
+۰/۲۶'	۱۷/۲۱'	دی
+۰/۲۴'	۱۷/۴۳'	بهمن
+۰/۱۸'	۱۸/۰۸'	اسفند

کرمانشاه

۱۸' ۳۴° شمالی و ۰۳' ۴۷° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۰۰ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۸'	۱۹/۳۴'	فروردین
+۰/۱۶'	۱۹/۵۸'	اردیبهشت
+۰/۱۵'	۲۰/۲۲'	خرداد
+۰/۱۴'	۲۰/۳۷'	تیر
+۰/۱۵'	۲۰/۳۱'	مرداد
+۰/۱۶'	۲۰/۰۱'	شهریور
+۰/۱۷'	۱۸/۱۸'	مهر
+۰/۱۹'	۱۷/۳۹'	آبان
+۰/۲۰'	۱۷/۱۴'	آذر
+۰/۲۱'	۱۷/۱۶'	دی
+۰/۲۱'	۱۷/۴۰'	بهمن
+۰/۱۹'	۱۸/۰۹'	اسفند

تبریز

ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۶۱ متر ۰۵' ۳۸° شمالی و ۱۸' ۴۶° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۲۱'	۱۹/۳۷'	فروردین
+۰/۲۴'	۲۰/۰۶'	اردیبهشت
+۰/۲۷'	۲۰/۳۴'	خرداد
+۰/۲۸'	۲۰/۵۱'	تیر
+۰/۲۷'	۲۰/۴۳'	مرداد
+۰/۲۴'	۲۰/۰۹'	شهریور
+۰/۲۱'	۱۸/۲۲'	مهر
+۰/۱۸'	۱۷/۳۸'	آبان
+۰/۱۵'	۱۷/۰۹'	آذر
+۰/۱۴'	۱۷/۰۹'	دی
+۰/۱۵'	۱۷/۳۴'	بهمن
+۰/۱۸'	۱۸/۰۸'	اسفند

سندج

ارتفاع از سطح دریا: ۱۵۳۸ متر ۱۹' ۳۵° شمالی و ۵۹' ۴۶° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۸'	۱۹/۳۴'	فروردین
+۰/۱۷'	۱۹/۵۹'	اردیبهشت
+۰/۱۷'	۲۰/۲۴'	خرداد
+۰/۱۷'	۲۰/۴۰'	تیر
+۰/۱۷'	۲۰/۳۳'	مرداد
+۰/۱۷'	۲۰/۰۲'	شهریور
+۰/۱۸'	۱۸/۱۹'	مهر
+۰/۱۸'	۱۷/۳۸'	آبان
+۰/۱۸'	۱۷/۱۲'	آذر
+۰/۱۸'	۱۷/۱۳'	دی
+۰/۱۹'	۱۷/۳۸'	بهمن
+۰/۱۸'	۱۸/۰۸'	اسفند

ایلام

۲۳' ۳۳° شمالی و ۱۶' ۴۶° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۴۲۷ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۲۰'	۱۹/۳۶'	فروردین
+۰/۱۷'	۱۹/۵۹'	اردیبهشت
+۰/۱۶'	۲۰/۲۳'	خرداد
+۰/۱۵'	۲۰/۳۸'	تیر
+۰/۱۶'	۲۰/۳۲'	مرداد
+۰/۱۷'	۲۰/۰۲'	شهریور
+۰/۲۰'	۱۸/۲۱'	مهر
+۰/۲۲'	۱۷/۴۲'	آبان
+۰/۲۴'	۱۷/۱۸'	آذر
+۰/۲۵'	۱۷/۲۰'	دی
+۰/۲۵'	۱۷/۴۴'	بهمن
+۰/۲۲'	۱۸/۱۲'	اسفند

قصر شیرین

۳۰' ۳۴° شمالی و ۳۴' ۴۵° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۳۳۳ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۲۴'	۱۹/۴۰'	فروردین
+۰/۲۲'	۲۰/۰۴'	اردیبهشت
+۰/۲۱'	۲۰/۲۸'	خرداد
+۰/۲۱'	۲۰/۴۴'	تیر
+۰/۲۱'	۲۰/۳۷'	مرداد
+۰/۲۲'	۲۰/۰۷'	شهریور
+۰/۲۳'	۱۸/۲۴'	مهر
+۰/۲۵'	۱۷/۴۵'	آبان
+۰/۲۶'	۱۷/۲۰'	آذر
+۰/۲۶'	۱۷/۲۱'	دی
+۰/۲۶'	۱۷/۴۵'	بهمن
+۰/۲۵'	۱۸/۱۵'	اسفند

ارومیه

۲۰' ۳۷° شمالی و ۰۲' ۴۵° شرقی ارتفاع از سطح دریا: ۱۳۳۲ متر		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۲۶'	۱۹/۴۲'	فروردین
+۰/۲۸'	۲۰/۱۰'	اردیبهشت
+۰/۳۰'	۲۰/۳۷'	خرداد
+۰/۳۱'	۲۰/۵۴'	تیر
+۰/۳۰'	۲۰/۴۶'	مرداد
+۰/۲۸'	۲۰/۱۳'	شهریور
+۰/۲۵'	۱۸/۲۶'	مهر
+۰/۲۳'	۱۷/۴۳'	آبان
+۰/۲۱'	۱۷/۱۵'	آذر
+۰/۲۰'	۱۷/۱۵'	دی
+۰/۲۱'	۱۷/۴۰'	بهمن
+۰/۲۳'	۱۸/۱۳'	اسفند

بازرگان

۲۲' ۳۹° شمالی و ۲۸' ۴۴° شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۲۹'	۱۹/۴۵'	فروردین
+۰/۳۳'	۲۰/۱۵'	اردیبهشت
+۰/۳۸'	۲۰/۴۵'	خرداد
+۰/۴۰'	۲۱/۰۳'	تیر
+۰/۳۸'	۲۰/۵۴'	مرداد
+۰/۳۳'	۲۰/۱۸'	شهریور
+۰/۲۸'	۱۸/۲۹'	مهر
+۰/۲۳'	۱۷/۴۳'	آبان
+۰/۱۹'	۱۷/۱۳'	آذر
+۰/۱۷'	۱۷/۱۲'	دی
+۰/۲۰'	۱۷/۳۹'	بهمن
+۰/۲۴'	۱۸/۱۴'	اسفند

اسلام آباد

۴۳' ۳۳° شمالی و ۰۴' ۷۳° شرقی اطلاعات افقی به وقت تهران		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۱/۲۶'	۱۷/۵۰'	فروردین
-۱/۲۹'	۱۸/۱۳'	اردیبهشت
-۱/۳۱'	۱۸/۳۶'	خرداد
-۱/۳۱'	۱۸/۵۲'	تیر
-۱/۳۱'	۱۸/۴۵'	مرداد
-۱/۲۹'	۱۸/۱۶'	شهریور
-۱/۲۶'	۱۶/۳۵'	مهر
-۱/۲۴'	۱۵/۵۶'	آبان
-۱/۲۲'	۱۵/۳۲'	آذر
-۱/۲۱'	۱۵/۳۴'	دی
-۱/۲۲'	۱۵/۵۷'	بهمن
-۱/۲۴'	۱۶/۲۶'	اسفند

کابل

۳۲° ۳۴' شمالی و ۱۰° ۶۹' شرقی اطلاعات افق به وقت تهران		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۱:۱۱'	۱۸/۰۵'	فروردین
-۱/۱۳'	۱۸/۲۹'	اردیبهشت
-۱/۱۳'	۱۸/۵۴'	خرداد
-۱/۱۴'	۱۹/۰۹'	تیر
-۱/۱۳'	۱۹/۰۳'	مرداد
-۱/۱۲'	۱۸/۳۳'	شهریور
-۱/۱۱'	۱۶/۵۰'	مهر
-۱/۱۰'	۱۶/۱۰'	آبان
-۱/۰۹'	۱۵/۴۵'	آذر
-۱/۰۸'	۱۵/۴۷'	دی
-۱/۰۸'	۱۶/۱۱'	بهمن
-۱/۱۰'	۱۶/۴۰'	اسفند

ابوظبی

اطلاعات افق به وقت تهران ۲۸° شمالی و ۲۲° شرقی ۵۴°		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
-۰/۱۲'	۱۹/۰۴'	فروردین
-۰/۲۵'	۱۹/۱۷'	اردیبهشت
-۰/۳۵'	۱۹/۳۲'	خرداد
-۰/۳۹'	۱۹/۴۴'	تیر
-۰/۳۴'	۱۹/۴۲'	مرداد
-۰/۲۴'	۱۹/۲۱'	شهریور
-۰/۱۲'	۱۷/۴۹'	مهر
همزمان	۱۷/۲۰'	آبان
+۰/۱۰'	۱۷/۰۴'	آذر
+۰/۱۵'	۱۷/۱۰'	دی
-۰/۴۹'	۱۶/۳۰'	بهمن
-۱/۰۰'	۱۶/۵۰'	اسفند

دوحه

۱۷' ۲۵° شمالی و ۳۱' ۵۱° شرقی اطلاعات افق به وقت تهران		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
همزمان	۱۹/۱۶'	فروردین
-۰/۱۲'	۱۹/۳۰'	اردیبهشت
-۰/۲۲'	۱۹/۴۵'	خرداد
-۰/۲۵'	۱۹/۵۸'	تیر
-۰/۲۱'	۱۹/۵۵'	مرداد
-۰/۱۲'	۱۹/۳۳'	شهریور
همزمان	۱۸/۰۱'	مهر
+۰/۱۱'	۱۷/۳۱'	آبان
+۰/۲۱'	۱۷/۱۵'	آذر
+۰/۲۴'	۱۷/۱۹'	دی
+۰/۲۱'	۱۷/۴۰'	بهمن
+۰/۱۱'	۱۸/۰۱'	اسفند

قطیف

اطلاعات افقی به وقت تهران ۳۳° ۲۶' شمالی و ۵۹° ۴۹' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۵'	۱۹/۲۱'	فروردین
-۰/۰۵'	۱۹/۳۷'	اردیبهشت
-۰/۱۴'	۱۹/۵۳'	خرداد
-۰/۱۷'	۲۰/۰۶'	تیر
-۰/۱۳'	۲۰/۰۳'	مرداد
-۰/۰۵'	۱۹/۴۰'	شهریور
+۰/۰۵'	۱۸/۰۶'	مهر
+۰/۱۵'	۱۷/۳۵'	آبان
+۰/۲۴'	۱۷/۱۸'	آذر
+۰/۲۷'	۱۷/۲۲'	دی
+۰/۲۴'	۱۷/۴۳'	بهمن
+۰/۱۵'	۱۸/۰۵'	اسفند

باکو

۲۳° ۴۰' شمالی و ۵۲° ۴۹' شرقی اطلاعات افق به وقت تهران		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۰۷'	۱۹/۲۳'	فروردین
+۰/۱۳'	۱۹/۵۵'	اردیبهشت
+۰/۱۹'	۲۰/۲۶'	خرداد
+۰/۲۱'	۲۰/۴۴'	تیر
+۰/۱۹'	۲۰/۳۵'	مرداد
+۰/۱۳'	۱۹/۵۸'	شهریور
+۱/۰۷'	۱۹/۰۸'	مهر
+۱/۰۰'	۱۸/۲۰'	آبان
+۰/۵۵'	۱۷/۴۹'	آذر
+۰/۵۲'	۱۷/۴۷'	دی
+۰/۵۵'	۱۸/۱۴'	بهمن
+۰/۱۰۱'	۱۸/۵۱'	اسفند

کویت

اطلاعات افقی به وقت تهران ۲۲° ۲۹' شمالی و ۵۸° ۴۷' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۱۴'	۱۹/۳۰'	فروردین
+۰/۰۶'	۱۹/۴۸'	اردیبهشت
همزمان	۲۰/۰۷'	خرداد
-۰/۰۲'	۲۰/۲۱'	تیر
همزمان	۲۰/۱۶'	مرداد
+۰/۰۶'	۱۹/۵۱'	شهریور
+۰/۱۴'	۱۸/۱۵'	مهر
+۰/۲۱'	۱۷/۴۱'	آبان
+۰/۲۷'	۱۷/۲۱'	آذر
+۰/۲۹'	۱۷/۲۴'	دی
+۰/۲۷'	۱۷/۴۶'	بهمن
+۰/۲۱'	۱۸/۱۱'	اسفند

نجف اشرف

۳۲° ۰۰' شمالی و ۴۴° ۲۰' شرقی اطلاعات افق به وقت تهران		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۲۸'	۱۹/۴۴'	فروردین
+۰/۲۴'	۲۰/۰۶'	اردیبهشت
+۰/۲۰'	۲۰/۲۷'	خرداد
+۰/۱۹'	۲۰/۴۲'	تیر
+۰/۲۰'	۲۰/۳۶'	مرداد
+۰/۲۴'	۲۰/۰۹'	شهریور
+۰/۲۸'	۱۸/۲۹'	مهر
+۰/۳۲'	۱۷/۵۲'	آبان
+۰/۳۶'	۱۷/۳۰'	آذر
+۰/۳۷'	۱۷/۳۲'	دی
+۰/۳۶'	۱۷/۵۵'	بهمن
+۰/۳۲'	۱۸/۲۲'	اسفند

مکه مکرمه

اطلاعات افقی به وقت تهران ۲۵° ۲۱' شمالی و ۴۹° ۳۹' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۴۶'	۲۰/۰۲'	فروردین
+۰/۳۰'	۲۰/۱۲'	اردیبهشت
+۰/۱۸'	۲۰/۲۵'	خرداد
+۰/۱۳'	۲۰/۳۶'	تیر
+۰/۱۸'	۲۰/۳۴'	مرداد
+۰/۳۰'	۲۰/۱۵'	شهریور
+۰/۴۶'	۱۸/۴۷'	مهر
+۱/۰۱'	۱۸/۲۱'	آبان
+۱/۱۳'	۱۸/۰۷'	آذر
+۱/۱۹'	۱۸/۱۴'	دی
+۱/۱۴'	۱۸/۳۳'	بهمن
+۱/۰۱'	۱۸/۵۱'	اسفند

مدینه منوره

۲۸' ۲۴° شمالی و ۳۶' ۳۹° شرقی اطلاعات افق به وقت تهران		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۴۷'	۲۰/۰۳'	فروردین
+۰/۳۴'	۲۰/۱۶'	اردیبهشت
+۰/۲۴'	۲۰/۳۱'	خرداد
+۰/۲۰'	۲۰/۴۳'	تیر
+۰/۲۴'	۲۰/۴۰'	مرداد
+۰/۳۴'	۲۰/۱۹'	شهریور
+۰/۴۷'	۱۸/۴۸'	مهر
+۰/۵۹'	۱۸/۱۹'	آبان
+۱/۰۹'	۱۸/۰۳'	آذر
+۱/۱۳'	۱۸/۰۸'	دی
+۱/۰۹'	۱۸/۲۸'	بهمن
+۰/۵۹'	۱۸/۴۹'	اسفند

مسکو

اطلاعات افقی به وقت تهران ۴۵° ۵۵' شمالی و ۳۷° ۳۷' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۰/۵۸'	۲۰/۱۴'	فروردین
+۱/۳۴'	۲۱/۱۶'	اردیبهشت
+۲/۰۹'	۲۲/۱۶'	خرداد
+۲/۲۵'	۲۲/۴۸'	تیر
+۲/۰۷'	۲۲/۲۳'	مرداد
+۱/۳۳'	۲۱/۱۸'	شهریور
+۰/۵۷'	۱۸/۵۸'	مهر
+۰/۲۲'	۱۷/۴۲'	آبان
-۰/۱۱'	۱۶/۴۳'	آذر
-۰/۲۷'	۱۶/۲۸'	دی
-۰/۱۰'	۱۷/۰۹'	بهمن
+۰/۲۳'	۱۸/۱۳'	اسفند

دمشق

اطلاعات افق به وقت تهران ۳۰° ۳۳' شمالی و ۱۷° ۳۷' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۱/۳۱'	۲۰/۴۷'	فروردین
+۱/۲۸'	۲۱/۱۰'	اردیبهشت
+۱/۲۶'	۲۱/۳۳'	خرداد
+۱/۲۵'	۲۱/۴۸'	تیر
+۱/۲۶'	۲۱/۴۲'	مرداد
+۱/۲۸'	۲۱/۱۳'	شهریور
+۱/۳۰'	۱۹/۳۱'	مهر
+۱/۳۳'	۱۸/۵۳'	آبان
+۱/۳۵'	۱۸/۲۹'	آذر
+۱/۳۶'	۱۸/۳۱'	دی
+۱/۳۶'	۱۸/۵۵'	بهمن
+۱/۳۳'	۱۹/۲۳'	اسفند

بیروت

اطلاعات افق به وقت تهران ۳۳° ۵۲' شمالی و ۳۵° ۳۰' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۱۷/۰۴'	۲۰/۲۰'	فروردین
+۱۷/۰۱'	۲۰/۴۳'	اردیبهشت
+۱۷/۰۰'	۲۱/۰۷'	خرداد
+۰/۵۹'	۲۱/۲۲'	تیر
+۱۷/۰۰'	۲۱/۱۶'	مرداد
+۱۷/۰۱'	۲۰/۴۶'	شهریور
+۲/۰۴'	۲۰/۰۵'	مهر
+۲/۰۶'	۱۹/۲۶'	آبان
+۲/۰۷'	۱۹/۰۱'	آذر
+۲/۰۸'	۱۹/۰۳'	دی
+۲/۰۸'	۱۹/۲۷'	بهمن
+۲/۰۶'	۱۹/۵۶'	اسفند

آنگارا

اطلاعات افق به وقت تهران ۳۹° ۵۵' شمالی و ۳۲° ۵۱' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۱/۱۵'	۱۹/۳۱'	فروردین
+۱/۲۰'	۲۰/۰۲'	اردیبهشت
+۱/۲۶'	۲۰/۳۳'	خرداد
+۱/۲۸'	۲۰/۵۱'	تیر
+۱/۲۵'	۲۰/۴۱'	مرداد
+۱/۲۰'	۲۰/۰۵'	شهریور
+۱/۱۴'	۱۸/۱۵'	مهر
+۱/۰۹'	۱۷/۲۹'	آبان
+۱/۰۴'	۱۶/۵۸'	آذر
+۱/۰۲'	۱۶/۵۷'	دی
+۱/۰۵'	۱۷/۲۴'	بهمن
+۱/۰۹'	۱۷/۵۹'	اسفند

بیروت

اطلاعات افق به وقت تهران ۳۳° ۵۲' شمالی و ۳۵° ۳۰' شرقی		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۱/۰۴'	۲۰/۲۰'	فروردین
+۱/۰۱'	۲۰/۴۳'	اردیبهشت
+۱/۰۰'	۲۱/۰۷'	خرداد
+۰/۵۹'	۲۱/۲۲'	تیر
+۱/۰۰'	۲۱/۱۶'	مرداد
+۱/۰۱'	۲۰/۴۶'	شهریور
+۲/۰۴'	۲۰/۰۵'	مهر
+۲/۰۶'	۱۹/۲۶'	آبان
+۲/۰۷'	۱۹/۰۱'	آذر
+۲/۰۸'	۱۹/۰۳'	دی
+۲/۰۸'	۱۹/۲۷'	بهمن
+۲/۰۶'	۱۹/۵۶'	اسفند

استانبول

۵۹° ۴۰' شمالی و ۲۸° ۴۹' شرقی اطلاعات افق به وقت تهران		
فاصله با تهران	غروب آفتاب	برج
+۱/۳۱'	۲۰/۴۷'	فروردین
+۱/۳۸'	۲۱/۱۰'	اردیبهشت
+۱/۴۵'	۲۱/۳۳'	خرداد
+۱/۴۷'	۲۱/۴۸'	تیر
+۲/۲۵'	۲۱/۴۲'	مرداد
+۲/۱۵'	۲۱/۱۳'	شهریور
+۲/۲۲'	۱۹/۳۱'	مهر
+۲/۱۲'	۱۸/۵۳'	آبان
+۱/۵۰'	۱۸/۲۹'	آذر
+۱/۱۷'	۱۸/۳۱'	دی
+۰/۵۱'	۱۸/۵۵'	بهمن
+۰/۴۷'	۱۹/۲۳'	اسفند

منابع

قرآن كريم

١. بحراني، شيخ يوسف بن أحمد؛ الحدائق الناظرة في أحكام العترة الطاهرة؛ نشر دارالكتب الاسلامية، نجف ١٣٧٨ هـ ق.
٢. بروجردي، مرتضى؛ مستند العروة الوثقى: محاضرات آية الله العظمى السيد ابوالقاسم الموسوي الخوئي؛ قم: منشورات المدرسة دارالعلم، ١٣٦٨ هـ ش. ٣. عياشي، محمد بن مسعود؛ تفسير عياشي؛ بنياد بعثت، قم ١٣٧٩ هـ ش.
٤. حرعامللي، محمد بن حسن؛ وسائل الشيعة إلي تحصيل مسائل الشريعة؛ نشر مكتبة الاسلامية، تهران ١٣٩٦ هـ ق.
٥. حكيم، سيد محسن الطباطبائي؛ مستمسك العروة الوثقى؛ مطبعة النجف، نجف ١٣٧٩ هـ ق.
٦. حلي، حسن بن يوسف بن علي بن المطهر؛ تذكرة الفقهاء؛ چاپ سنگی، بی جا، بی تا.
٧. —؛ منتهی المطلب في تحقيق المذهب؛ چاپ سنگی، تهران ١٣٣٣ هـ ق.
٨. خوئي، أبو القاسم بن علی أكبر؛ منهاج الصالحين؛ مهر، قم ١٤١٠ هـ ق.
٩. دهخدا، علی أكبر؛ لغتنامه؛ دانشگاه تهران، تهران ١٣٤٦ هـ

ش.

۱۰. شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی عاملی؛ الدروس الشرعية؛ چاپ سنگی، بی تا ۱۳۶۹ هـ.ق.
۱۱. صدوق، شیخ ابي جعفر محمد بن علي بن حسين ابن بابويه قمی؛ من لا يحضره الفقيه، چاپ آفتاب، تهران ۱۳۷۶ هـ.ق.
۱۲. طباطبایی، علامه سيد محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن؛ نشر دارالكتب الاسلاميه، تهران ۱۳۹۰ هـ.ق.
۱۳. طوسي، شیخ ابي جعفر محمد بن حسن بن علي بن حسن؛ المبسوط في الفقه، نشر مكتبة المرتضوية، تهران ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۴. ———؛ تهذيب الاحكام في شرح المقنعه؛ نشر مكتبة الصدوق، تهران ۱۳۷۶ هـ.ش.
۱۵. فيض كاشاني، ملامحسن؛ الوافي؛ كتابفروشي اسلاميه، تهران ۱۳۷۵ هـ.ق.
۱۶. نجفي، محمدحسن بن باقر؛ جواهرالكلام في شرح شرائع الاسلام؛ تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۱۷. نراقي، أحمد بن محمد مهدي؛ مستند الشيعة في أحكام الشريعة؛ چاپ سنگی، بی جا، ۱۳۲۵ هـ.ق.

آثار و تالیفات

حضرت آیت الله العظمی حاج میرزا یدالله دوزدوزانی تبریزی در طی سال‌های متمادی و طولانی تحقیق و تدریس، بحث‌هایی را طرح کرده‌اند که برخی از آنها به قلم خود ایشان و برخی توسط شاگردان به رشته تحریر درآمده است.

روش ایشان در طرح مباحث و نوشتن مقالات و کتاب، این است که اشتیاقی به نوشتن مطالب تکراری و متونی که مطالب چندان جدیدی در آنها یافت نمی‌شود، ندارند. به همین دلیل است که کتاب‌های منتشر شده به قلم ایشان و یا براساس تحقیقات و دروس معظم له اغلب دارای موضوعات جدید و مورد نیاز جامعه و محتوایی نو است که به فهرستی از آنها اشاره می‌شود:

۱. إرشاد المؤمنین؛ [حاشیه بر ارشاد المومنین مرحوم آیت الله حجت]
۲. تحقیق اللطیف حول التوقیع الشریف؛ [تحقیق در پیرامون امکان و یا عدم امکان رویت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت کبری. این کتاب به زبان عربی نوشته شده و انتشار عمومی آن به جهت برخی ملاحظات انجام نشده است.]
۳. تغییر جنسیت آری یا نه؟؛ [پژوهشی علمی در موضوع تغییر جنسیت و حکم شرعی آن]
۴. توضیح المسائل؛ [تاکنون بیش از ۱۳ بار در تیراژهای فراوان چاپ شده است.]
۵. حاشیه علی العروة الوثقی؛ [زیر چاپ]
۶. حواشی علی منهاج الصالحین؛ [تکثیری]
۷. خمس در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۸. دروس حول المعاد؛ [از سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن]
۹. دروس حول الموت والحیة والبرزخ وأشرط الساعة؛ [از سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن]
۱۰. دروس حول نزول القرآن؛ [از سلسله دروس تفسیر موضوعی قرآن]
۱۱. رساله هلالیه؛ [کتاب مختصر و نافع در باره هلال ماه قمری]
۱۲. کتاب قصاص؛ [مخطوط]
۱۳. ملحقات توضیح المسائل؛
۱۴. مناسک حج تمتع و عمره. [احکام زیارت حرمین شریفین که چندین بار جهت استفاده مومنین در سفر حج انتشار یافته است.]
۱۵. استفتائات (۱۳۹۶)
۱۶. تفسیر ترتیبی سوره‌هایی از قرآن [مخطوط]
۱۷. دوره اصول فقه [مخطوط]

تقریرات شاگردان از دروس ایشان

۱. تقریرات بحث صلات مسافرا بعنوان «البيان الباهر في صلاة المسافر» توسط حضرت حجت الاسلام حاج شیخ یوسف یعقوبی (۱۳۹۶، بوستان کتاب)
۲. تقریرات بحث زکاة [مخطوط]
۳. تقریرات صلاة جماعت [مخطوط]
۴. تقریرات خمس [مخطوط]
۵. تقریرات حلق لحيه [آماده چاپ]
۶. تقریرات مکاسب محرمة [مخطوط]